

مردم مبارز ایران با شرکت در راهپیمائی روز شنبه

خاطره قیام ضد امپریالیستی سی تیر را

گرامی میدارند

● راهپیمائی تهران - ۶ بعد از ظهر
روز شنبه ۳۰ تیر از دانشگاه تهران
بطرف میدان توپخانه قدم

گذشته از یادگاری ها و از خودگذشتگی هائی که مردم از خود نشان دادند، سی ام تیر تجلی با عظمت وحدت و یکپارچگی خلق ایران در مقابل امپریالیستها و ارتجاع بقیه در صفحه ۸

به پا خاسته بودند سی ام تیر کی از روزهای تاریخی میهن مان که خاطره آن هیچگاه از اذهان مردم ایران زدودن نخواهد شد. اهمیت این روز در این است که

سی ام تیر هفت سال پیش درسی ام تیرماه ۱۳۳۱، مبین ماشاهد تمام شکوهمند خلق دلاوری شد که برای مقابله با امپریالیسم نوپز امپریالیست انگلستان و عوامل داخلی اش قوام السلطنه و دربار



چریکهای ساند نیست آخرین بقایای رژیم سرسپرده آمریکا را درهم شکسته و می روند تا ساختمان جامعه نویینی را پایه گذاری کنند.

طردها و اخراج

عناصر ضد مردمی

نشانه اراده توده ها است

پس از قیام بهمن مسئله پاک سازی و طرد عناصر ضد کارگرو ضد خلق در سطح جامعه، در کارخانه ها، روستاها و ادارات دولتی مطرح شد. این مقاله می گویند به بررسی کوتاهی از این مسئله که اینک نیز همچنان موضوع روز است، بپردازد. با شروع مجدد کار، کارگران که می خواستند تمام آثار رژیم شاه را نابود کنند و امکان به بیراهه کشیدن انقلاب را از بین ببرند، مسئله تمفیوی پاکسازی را مطرح کردند. زیرا آن نهائی دانستند عامل و باعث اختناق رژیم سابق تنها شاه و درباریان نبوده اند، بلکه شبکه وسیعی از همین مزدوران و خود فروشان، آن فضای خفقان آور را به وجود آورده بودند. به همین دلیل شوراهای کارگری، تمفییه و پاکسازی را در دستور کار خود قرار دادند. تا اینکه در روز ۲۹ اردیبهشت، نخست وزیر دولت موقت طی مصاحبه ای اعلام کرد که کمیته های اعتصاب و شوراهای چگونگی معنی در اداره کارخانه ها ندارند و به این ترتیب کوشید از اخراج عناصر سرسپرده رژیم پیشین جلوگیری کند و این کار از چنین دولتی بعید نبود. ولی طبقه کارگر که مبارزات بقیه در صفحه ۱۱

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به جبهه آزادیبخش ساند نیست و دولت موقت انقلابی خلق نیکارگونه

رفقای رزمنده! پیوندهای میان خلقهای فهرا به شتاب مناسبت پیروزی های نیکارگونه و ایران در خیمت مبارزه درخشانان علیه رژیم خان "سوموزا" مشترکان علیه امپریالیسم بین المللی این مزدور سرسپرده امپریالیسم امریکا به سرکردگی امریکامزدوران داخلی شان و به مناسبت ایجاد دولت موقت انقلابی می توانند و باید هر چه مستحکمتر شود. ما صمیمانه تیریک می گوئیم. بقیه در صفحه ۱۰

از این هفته نشریه کاردر ۲ شماره منتشر می شود هموطنان مبارز!

باتوجه به اینکه می دانیم نقش و اهمیت روزنامه ای ده بتواند درجهت پیشبرد آرمانها و اهداف کارگران، دهقانان و رزمنگان کام بردارد، بر آگاهی آنها بیفزاید و در رشد و گسترش مبارزاتشان مؤثر باشد. به ویژه در شرایط خاص ضرورت بسیار زیادی دارد. اما نشریه کار هنوز از نواقص و کمبودها میرانست و نتوانسته است آنگونه که انتظار داریم به این نیازها پاسخ گوید. هر چند مطمئن هستیم تلاش خستگی ناپذیر رفقا و هم دیهنان مبارز که ما را در تهیه و تدوین مطالب، گزارشات، و اخبار برای می رسانند، می تواند نواقص را کمتر کرده و به غنای بیشتر نشریه بیفزاید. ماهمانگونه که در نخستین شماره نشریه کار گفته بودیم، بخاطر ارتباط نزدیکتر با هم، ما را در این راه بیشتر و بهتر از نظریات همه رفقا از این پس نشریه کار را در دست بگیرید. (دهشنبه ۱۰ و پنجشنبه ها) منتشر کرده و تلاش خواهیم کرد در آینده با کمک شما در برابر هر چه بیشتر کیفیت آن بگوئیم. همچنین لازم به توضیح است که بدعلت تغییراتی که در صفحات صورت می گیرد چاپ مقالات ترویجی در شماره آینده ادامه خواهد یافت.

امپریالیسم آمریکا و عوامل آن همه تلاش خود را برای نابودی انقلاب ایران بکار گرفته اند

شعله های فروزان خشم انقلابی ستکشان در سراسر ایران زبانه می کشد و انرژی بیگران کارگران و رزمنگان را چون صاعقه های پیاپی برفرق امپریالیسم و ارتجاع می کوبد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و عوامل آن همه قدرت خود را برای خاموش کردن آتش فشان خروشان انقلاب که از دل های برکنه میلیونها زن و مرد ستکشان ایرانی نیرو می گیرد به کار گرفته اند و همه توان خود را برای نابودی ثمرات انقلاب مردم ستمدیده ایران بسیج کرده اند.

امپریالیسم امریکا از یک طرف برای ادامه غارت و جباول نیروی کار و منابع طبیعی خلقهای ایران، دم از اعزام نیرو به خلیج فارس و اشغال جاههای نفت ایران می زند و برای سرکوب کارگران و رزمنگان ایران و جلوگیری از ادامه مبارزات آنان نیروی ویژه تدارک می بیند و از سوی دیگر همه دستگاههای جاسوسی و رزیده خود را برای جلوگیری از وحدت کامل کارگران و رزمنگان ایران بسیج کرده است. این روزها در تالارهای وزارت دفاع و وزارت خارجه امریکا و در اتاقهای در بسته سازمان "سیا" و سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) نقشه ها و توطئه های دیسوق و بقیه در صفحه ۲

مصاحبه با کارگران و اعضاء شورای کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز

در صفحه ۵

کارگران دخانیات:

دولت تولیدات داخلی را کاهش داده، سیگار خارجی وارد میکند

کارگران دخانیات می گویند:

دولت کارخانه های تولید سیگار داخلی را به صورت نیمه تعطیل در آورده. کارگران را اخراج می کند و در عوض روزانه دهها هزار کارتن سیگار خارجی وارد می کند. مگر این سیگارها ساخت کشورهای آمریکا و اسرائیل نیست پس چرا دولت بدین وسیله اقتصاد کشورهای امپریالیست و صهیونیست را تقویت می کند؟ بقیه در صفحه ۸

گزارشی از مراسم بزرگداشت روز ۲۳ تیر، روز نفتگران

گرامی داشت روز ۲۳ تیر از طرف کارگران پیشرو در سالن ورزشی دانشگاه شریف با حضور هزاران نفر کارگرو زحمتکش برگزار شد. روز خونین ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ کارگران مناطق نفت خیز جنوب که بالغ بر صد هزار نفر بودند خواستار قطع نفوذ کمپانی نفت در امور سیاسی ایران و

پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین

به مراسم بزرگداشت شهدای اعتصابات نفتگران ایران از طریق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

وقتی در مصاحبه یاد شهیدان حویش را از می نیم و به راهی که آنان قدم گذاشته و به نهالی که با خون گرمشان آبیاریش کرده اند می نگریم، استوارتر از پیش خود را برای ادامه نبرد تا پیروزی آماده می کنیم و این امر اعم از فلسطین یا ایران، در همه جادق می کند. اعتصابات رزم گونه کارگران صنایع نفت ایران در سالهای تین از ۱۳۳۰ (۱۹۵۰ میلادی) و از آن میان اعتصابات سال ۱۳۳۵ (۱۹۴۶ میلادی) که به وسیله مزدوران به خون کشیده شد پیش در آمد مبارزات قهرمانانه ای بود که وقتسی توده های سراسر ایران بدان پیوست نهفت ملی کردن نفت نام گرفت. این بود که بقیه در صفحه ۲

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

چه کسانی از اتحاد و همبستگی کارگران در هراس هستند

چه کسانی از اتحاد و همبستگی کارگران در هراس هستند؟ چرا از تشکیل سندیکای واقعی و اتحادیه های کارگری به وحشت می افتند؟ چرا به هر تهمیتی و افتزای ناخوانمردانای دست می زنند تا کارگران را از خمدگر خود جدا ساخته و مانع شکل آنان در یک شورای متحد و کارگری شوند؟

آگاهی ورشد فکری طبقه کارگر بگانه ضامن پیروزی انقلاب تا مرحله نهایی آن است. فقط کسانی که از ادامه انقلاب تسامح و عدالت اجتماعی و از بیسی بودن هر نوع استثمار فرد از فرد در ساختار به سببش و نفاق افکنی در بین کارگران اقدام می کنند. ما اکنون به شناخت این افراد پرداخته و سوختن آنرا را برای کارگران عزیز روشن می سازیم تا خود قضاوت نمایند.

در درجه اول دشمنان طبقه کارگر و مردم ایران سرمایه داران وابسته به خارج و سرمایه داران اداری (مدیرکل هراسان لشکری و کشوری) که میلیون ها ثروت ملت ایران را از طریق چپاول وارتشآورد و بند با قاطعه کاران خارجی و داخلی بد جیب زده که عده ای از آنها فرار کرده و بقیه با عوام ملتشان هز برای زمین بردن آثار انقلاب به اشکال گوناگون توطئه چینی می کنند.

عده دیگر کسانی هستند که از گسترش دامنه انقلاب با بهتر بگویم استثمار و ادامه انقلاب تا به مرحله عدالت اجتماعی آنان راه وحشت انداخته و به فکر چاره جویی می اندازند. اینها به عنوان معروف کسانی هستند که فکر می کنند به شروطه شان رسیده اند. اینان از بدگمانی شاه و در اردوستان ناراضی بودند و به همین

جهت در انقلاب شرکت جستند و لوی در عین حال منافقشان با منافع زحمتکشان بطور اعم و کارگران بطور اخص در تضاد است. این دسته از سرمایه داران و تجار و کسبه و اداریهای مرفه و قشر متوسط جامعه است که متأسفانه در حال حاضر این دسته اول در بین کارگران به نفاق افکنی و سببش مبادرت می ورزند.

امادسته سوم افرادی به شخصیت و فرومایه که تا دیروز مدافع رژیم بودند و امروز بایک عقب گرد ۱۸۰ درجه خود را در قالب اسلام جازده و از این طرف دست به چاپلوسی و مداحی زده اند. اینها نه در گذشته صادق بودند و نه حالا. این فرومایگان و مغرضان همانند فرومایه ای هستند که به هر طرف روی آورند را از داخل می خورند و به تباهی می کشانند. اینان همانند میکرب چون در محیط سالم و آزاد امکان رشدشان به واسطه بی شخصیت بودن کم است لذا همیشه می کوشند محیط سالم و محیطی برتر ترس و آوای به وجود آورند تا بتوانند به زندگی ننگینشان ادامه دهند. اینان دانسته اند که کارگران را در دست خود می گذارند و همچنین خائنین به طبقه خود. اینان هر کسی را که از اتحاد و آگاهی دادن به حقوق کارگر دم بزنند به اتهام "گمونیست" بودن می کوشند. او را از سایر کارگران جدا سازند و مانع رشد فکری کارگران شوند.

من فکری کنم یک کارگر آگاه و فهمیده هم اسلام را بهتر تشخیص می دهد و هم منافع طبقه خود را و این چیزی است که هم این اشخاص بی شخصیت و خود فروخته از آن بیبناک هستند و هم آری با نشان که اینها را می بیورند. اما

ناسف اینجاست که بسیاری از کارگران صادق و ناآگاه تحت تاثیر این تبلیغات سوء قرار گرفته و برخلاف منافع خودشان و جامعه شان عمل می کنند.

من به عنوان یک کارگر، که سالها در محیط کار با اشخاص گوناگون سروکار داشته و در طول این مدت تجربه هاشی اندوخته ام از دوستان کارگر انتظار دارم واقع بنانه، که خصمت اصلی کارگری است، به مسائل روز برخورد کنند و درباره رفتارهای که به دستشان می رسد مطالبه کنند. نگاه خوب وبد، درست و نادرست را در میان آنها دریابند. چشم بستند دنبال این وان نروند و خود همانند یک فرد بالغ و عاقل درباره خودشان تصمیم بگیرند.

هر طبقه منافع مخصوص به خود دارد. هیچگاه کارخانه دار، تجار، مدیران کل و حتی سرپرستان کارگاهی منافشان با منافع کارگری نیست. پس نباید اجازه داد که این افراد یا عوام ملت را برای کارگر تعیین تکلیف کنند.

این خود کارگر است که باید منافع خودش را در قالب منافع ملت تشخیص دهد و برای بدست آوردن آن تلاش کند. من از تمام دوستان و کسانی که نسبت به سرنوشت انقلاب کشورشان و منافع زحمتکشان علاقه مندند نصیحتانه خواهانم به نوبه خود به رشد آگاهی طبقه کارگر که بهترین پشتوانه انقلاب است، همت بگذارند، و کسانی که مانع آن می شوند که به کارگران آگاهی داده شود به عنوان ضد انقلاب از بین خود طرد کنند.

نامه یک کارگر از کارخانه دوبر آهن اصفهان

امپریالیسم آمریکا و عوامل ..

حساب شده ای علیه مبارزات خلقهای ایران تهیه شده و در دست تهیه اند. ما بارها گفته ایم و بازمی گوئیم که یکی از کثیف ترین هدفهای امپریالیسم، منحرف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی خلقهای ایران از طریق ایجاد نفاق میان مردم مستعدیده ما و برراه انداختن جنگهای داخلی و برادر کشی است. ایجاد و تقویت گروههای شبه فاشیستی فشار، تلاش برای احیای شیوه های پلیسی گذشته، جلوگیری از درگیری در ارتش و احیای آن به شیوه پیشین، ترویج روشهای خشن و تروریستی، ایجاد کانونهای آشوب که ادامه آن خطر جنگ داخلی را افزایش می دهد، پخش اخبار یکجانبه و تحریک آمیز، توطئه بر علیه سازمانهای انقلابی و مبارز، همه و همه اجزای به هم پیوسته نقشه حساب شده و ماهرانه ای است که امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از اتحاد کامل کارگران و زحمتکشان ایران، منحرف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری وابسته و ضد امپریالیستی مردم و به شکست کشاندن انقلاب ایران تدارک دید و اینها یک سادقت تمام و کام به کام به کمک عوامل خود و باتکیه بر ناآگاهی برخی از مردم که خود قربانی سالیهای سلطه امپریالیسم هستند، به مرحله اجرا در آورده است.

خلقهای ایران، کارگران، دهقانان و نیروهای انقلابی ایران تنها در سایه وحدت راستین خود و حفظ هوشیاری انقلابی خویش خواهند توانست مبارزات ضد امپریالیستی خود را تا محو کامل سلطه اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی امپریالیسم به پیش برند.

تجربه مبارزاتی خلقهای زیر سلطه جهان به ویژه تجربه مبارزات اخیر مردم قهرمان مابهم خوبی نشان می دهد که اگر توطئه های امپریالیسم به موقع افشا شود و اگر اتحاد همه کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی ادامه یابد همه تجاویز گران مزدور امپریالیسم و همه سلاحهای پیشرفته دشمن در درونای بیکران خشم انقلابی توده ها غرق خواهد شد.

بگوئیم تا همه توطئه گران و همه دشمنان انقلاب ستکشان را افشا کنیم و صفوف متحد کارگران، زحمتکشان، پرسنل انقلابی ارتش و نیروهای انقلابی را تحکیم بخشیم.

نامه گروهی از کارگران نساجی شماره ۲:

نگذارید عناصر مرتجع به داخل کارخانه نفوذ کنند

درباره اشخاص فرصت طلب و سودمندی اجازه دهیم که در امور ما دخالت کنند پس از مدتی متوجه خواهیم شد که اشتباه بزرگی کرده ایم. پس از مدتی متوجه می شویم که اگر حرف اضافه حقوق و کلمه حق بر زمین نونک مسلسل ۳ جلوی دهانمان است. ما از شاه خائنین و ساواکش نترسیم. بنابراین از نفوذ چنین عناصری به داخل کارخانه تا پای جان مقاومت خواهیم کرد.

برادران و خواهران کارگر ما کارگران باید به فکر آینده خود باشیم. چون در زمان گذشته به قدر کافی زیر فشار ساواک و ساواکی ها قرار گرفته بودیم. در حالی که دیگر تحمل آن برای ما کارگران بسی مشکل و خارج از انتظار است. یعنی دیگر نخواهیم گذاشت عده ای فرصت طلب به خاطر موقبت بدست آمده خویش و به خاطر منافع شخصی خودشان نقاب بر چهره بزنند و خود را به ظاهر دوست و طرفدار کارگر جا بزنند ولی در باطن همان روش ساواکی ها را در پیش بگیرند. اعمال چنین اشخاصی از نظر ما محکوم است. ما دیگر نمی گذاریم عوامل ساواک امارات کنترل داشته باشند. البته جای بسی تأسف است که ما کارگران هنوز از فکر و اندیشه خوبی برخوردار نیستیم.

خواهران و برادران کارگر آری در کارخانه ای که ۴۰۰۰ کارگر مشغول به کار هستیم نباید اجازه داشته باشیم به اراده خود از بین خودمان نماینده انتخاب کنیم و در سندیکای متشکل شویم؟ یا اینکه با زهم مثل گذشته باید سرخوردن را بپذیریم و انداخته به حسرت نمایندگان فرمایشی و یا شورای فرمایشی عمل کنیم و یا اینکه هرکس برای حقوق ابتدائی و صنفی خود حرف زد، ضد انقلاب است؟ چرا؟ ما انقلاب کرده ایم که از ما باشیم. انقلاب کردیم تا از حقوق خود دفاع کنیم. نه اینکه یک عده افراد ذینفع که ماسک مومن بودن وریش

نامه یک کارگر زن: مراجعه برای استخدا م

نامه یک کارگر زن: مراجعه برای استخدا م

صبح روز ۲۸ خرداد برای استخدا م به کارخانه ری او. واک واقع در کلبه ستر ۸ جاده کرج رفتم. دم در تلفنی پرسیدند که آیا کارگر می خواهید یا نه؟ گفتند بلی و مرا همراه یک کارگر فرستادند تا کارگری را برانزد خاتمی بردند و با صحبت مرا نزد خانم دیگری که خیلی ناراحت به نظر می رسید. خانم اخموی مقدمه شروع کرد که روزی ۲۲ تومان مبدن - ۳۰۰ تومان حق سکن ... حق خواربار - یک پنجمش در میان تعطیل است، باید یک سال اینجا کار کنی و الایک ماه از حقوق کسری می شود. حرفش که تمام شد من گفتم که چاره ای خواهی کار کنی؟ پرسید، شوهر داری؟ گفتم بلی. گفت - حالم هستی؟ گفتم نه. گفت چه داری گفتنم. گفت شوهرت چکاره است و کجا کار می کنی؟ پرسیدم که آدرس را بدهم تا بروم خوش نیامد. و شروع کرد به برگردن فرم که تا فیمید شش کلاس سواد دارم گفت با اجازه او در تر نکتی و کاغذ را جلوم برت کرد و گفت بیا بروینشین بیرون و بنویس باحالت خیلی تحقیر آمیزی این حرفها را زد. فرم را برداشتم و رفتم بیرون. سؤالاتی که نظرم را جلب کرد، یکی این بود که آیا حاضر هستی. کارهای سخت را انجام بدهی و آرزودان بوده ای؟ دیگری فرم می خواستند که از دستگاران ۲۳ نفر. این قسمت را الکی برگردم. یکی از معرف ها را هم بیگانه کردم. بودم. هر حال مرا نزد مرد بسیار چاقی بردند و رضایت نامه از طرف شوهرم بستم. کارم تمام شد. مرا با بیرون فرستادند که منتظر بمانم. این انتظار حدود یک ساعت طول کشید و دست آخر آمدند و شماره تلفنی دادند که فردا تماس بگیرم. فهمیدم موافقت نکرده اند. برای آنها روز بعد تلفن کردم و گفتند کارگر نمی خواهیم شما شایسته ای افراد داده است که آینه سوز همان سیستم حفاظت برقرار است؟

بقیه از صفحه ۱

گزارشی از مراسم بزرگداشت ...

که به کارگران می گوید شافقت و نظیفه داشتید که با اعتمبات کم شکن خود رژیم پهلوی راه خاک بسپارید و اکنون دیگر باید به کارخانه ها و کارگاهها با تان برگردید. در این روز صفر نظر از بیامه ای که خوانده شد پیامهای متعددی به کارگران پیشرو از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق "شریه پیشواز، پیام کارگران پیشرو صنایع فولاد اهواز، گروهی از کارگران کارخانه مینو، کارگران منطقه سلاج کارکنان پیشرو صنعت نفت اهواز ... رسید. طی مراسم، یک گروه تحریک شده نخست می کردند و آرد سالن شوند که با مقاومت کارگران و انتظامات مواجه شدند. پس از پایان مراسم هنگام ترک محل همین افراد با چاقو به طرز قویانه ای به شرکت کنندگان هجوم آورده و چند تن را مجروح ساختند. شیوه کارگران در تمام مدت مراسم که تا ساعت ۹ به طول انجامید به منظور عدم برخورد و حوادث ناگوارتر، صبر و شکیبائی بود.

بقیه از صفحه ۱

پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین به مراسم بزرگداشت ...

برای اولین بار در خوابگاه ما به حکمت قاطع زحمتکشان از امپریالیستهای خلع بد شومی رفت تا پیروزی بزرگ رنجبران ایران بردشمنان ملی و طبقاتیشان پاییزی شود که توطئه شوم امپریالیستی ارتجاعی ۱۳۲۲ (۱۹۵۳ م.) با استفاده از برآندگی نیروها و ویژه فقدان رهبری انقلابی بر آنها باز دیگر حکومت سیاه سلطنت وابسته به امپریالیسم را برقرار و دولت ملی مسدود را سرنگون کرد. تجربه تلخ شکست مبارزات ملی خلقهای ایران در آن مقطع، امروز بعد از این همه تلاشهای قهرمانانه با وضوح تمام خود را در مقابل نسل کنونی انقلاب و مبارزه قرار داده است.

ما همزمان با امید فراوان به توانائی و درایت خلقهای ایران در زمینه درگیری از آن تجارب خوینین ناچارا بهم خوشتر است نیزاز توطئه هائی که در کمین انقلاب شما

همه صنایع و شرکتهای وابسته ملی شوند

بقیه از صفحه ۱

کارگران صنایع چوکا:

دولت مدیران اخراج شده را دوباره بازگرداند

رشت - مجتمع صنعتی چوکاکه در حوالی رضوان شهر (منطقه طالشکیلان) واقع شده یکی از تأسیسات صنعتی بزرگ ایران است که زیر نظر دولت و با ۴۰۰ نفر کارگر و کارمند کار می کند. این کارخانه ماهیاست به صورت نیمه تعطیل درآمده است. ماشین های قسمت کاغذ سازی این مجتمع از کانادا وارد شده و توسط کانادایی ها نصب شده است.

چوکاکت:

یکی از کارگران در اجتماع کارگران چوکاکت: دولت از طریق سازمان گسترش صنایع عملا کارفرمای ما محسوب می شود و ما می بینیم که حتی بدتر از سرمایه داران رفتاری کند. این دولت جزو عده و وعده هیچ چیزی تحویل مانده است. به عنوان مثال نماینده ما پرونده ۴ کارگر را برای بررسی اضافه حقوق به مقامات مسئول داده است که هیچگونه ترتیب اثری ندادند.

وی افزود: کارگران باید یک عمل انقلابی مدیران مزد فاسد را بیرون کردند ولی دولت می خواهد دوباره آنها را برگرداند. ما چندین بار به مقامات استانداری مراجعه کرده ایم و خواهان رسیدگی به حسابهای مدیران سابق شده ایم ولی آنها کندی بعضی هایشان شریک دزد هستند، عملا توجیهی نکرده اند.

بعد از رفتن آنها این قسمت به صورت غیر قابل استفاده درآمده و بعضی از قلمتهای دیگر به علت کارشکنی مدیران قبلی (مدیران قبلی کارخانه توسط کارگران اخراج شدند ولی در تهران دفتر شرکت کار می کنند) از کار افتاده است. تنها قسمت کارخانه که کار می کند قسمت چوب ببری است. کارگران مدتهاست که بیکارند. به همین خاطر روز شنبه ۱۷ تیرماه ۵۸ تمام کارگران کارخانه جمع شدند و خواستار به کار افتادن کارخانه شدند. آنها مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام داشتند:

- ۱- کارخانه باید شروع به کار کند و جلوی کارشکنی عناصر ضدکارگر در دفتر مرکزی تهران گرفته شود.
- ۲- ما خواهان دادن قدرت اجرایی به شورای کارخانه می باشیم.
- ۳- حقوق ها به موقع پرداخت گردد. الان در حدود ۲ ماه است که

۲۵۰۰ کارگر کارخانه پوشش مدیران مزدور را اخراج کردند

همچنان با قاطعیت خواستار رسیدن به خواسته های خود هستند و اعلام کرده اند که با حمایت از شورایی اعتبار را کمکان ادامه خواهند داد. تعدادی از خواسته های آنان به این شرح است:

- ۱- صدور حکم های عقب افتاده سال ۵۷.
- ۲- صدور حکم های برای سال ۵۸ طبق طرح پیشنهادی شورا.
- ۳- استخدام دائمی کارگران موقت.
- ۴- پرداخت حق خواربار و حقی سکن به کارگران طبق پیشنهادی کارگران.
- ۵- ۴۰ ساعت کار در هفته.
- روز شنبه ۱۵ تیرماه مجمع عمومی کارگران با حضور نماینده دولت و کارفرمای جدید برگزار شد.
- وی با خواسته های کارگران به جز اخراج ۵ مدیر سابق و ۴۰ ساعت کار در هفته موافقت کرد.
- کارگران بیکار چه و متشکل خواهند اجرای تمام خواسته های خود شده اند.

آنان داشته اند، به سرکار بازگردانند. نماینده دولت برای بازگرداندن کارگران به سرکار در جمع آنها شرکت کرد و چنین استدلال کرد که چون بانکهای ملی شده بنابراین کارخانجات هم که متعلق به بانکهاست خود به خود ملی شده اند، پس شما باید هر چه بیشتر کار کنید و بایانکه:

مدیران کارخانه باید هر چه زودتر به سرکار بازگردند تا به کارها سر و سامان دهند. چون بر اثر اخراج مدیران وضع کارخانه در هم و برهم شده است. استدلال این شخص که حامی ساقم دولت و کارفرماست با هوشیاری یکی از کارگران که پاسخ می دهد: "چون اوضاع مملکت آشفته است پس طبق حرف شما باید شاه خائن را هم بازگرداند؟" می ماند و این نماینده دولت (و کارفرما) عملا رسوا می شود. کارگران میارز کارخانه "پوشش" از اولین روز اعتصاب برای مستحکم کردن مفوضات جلسات متعددی تشکیل دادند

رشت - ۲۵۰۰ نفر کارگران کارخانه "پوشش" رشت که متعلق به سازمان گسترش صنایع است برای رسیدن به خواسته های خود از تاریخ نیم خرداد دست از کار کشیدند.

کارگران این کارخانه که خواسته هایشان را از چند ماه پیش مطرح کرده بودند به دلیل بی نتیجه ماندن مذاکراتشان با نماینده وزارت کار اقدام به اخراج پنج تن از مدیران "ضدکارگر" کارخانه کرده و طرح ۴۰ ساعت کار در هفته را نیز به مورد اجرا گذاشتند. تاکنون مذاکرات شورای کارخانه با نماینده دولت که برای نظارت به کارخانه فرستاده شد نتیجه ای نداشته و این شخص که برای رسیدگی به خواسته های کارگران به کارخانه آمده است در واقع همان حرفهای کارفرمایان سابق را می زند و باز بر فشار گذاشتن شورای کارگران کارخانه می کوشد مدیران اخراجی را که شدیداً مورد تنفر کارگران هستند و طی انقلاب نقش موثری بر علیه مبارزات کارگران و ایجاد تفرقه در صفوف متحد

مبارزات کارگران جوراب بافی علیه کارفرما

رشت - کارگران شرکت تولیدی بالموران (قدیسا) که از روز شنبه ۱۰ خرداد دست از کار کشیدند و از خسرو ج تولیدات کارخانه جلوگیری کرده اند به دلیل بی نتیجه ماندن مذاکراتشان با کارفرما همچنان به اعتصاب ادامه می دهند.

کارگران شرکت بالموران که یک کارخانه جوراب بافی است به دلیل روش ضدکارگری کارفرما حاضر به بازگشت به سرکار هایشان نشدند. کارگران با حمایت از شورای کارخانه خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، دادن ۵۰۰ هزار تومان وام به کارگران و پرداخت ماهه التفاوت حقوق سه ماه گذشته شان می باشند و تممیم گرفته اند تا رسیدن به این خواسته ها به اعتصاب ادامه دهند.

درباره غیرای کارگران و زندگان کارخانه ۱۶ نفره کارخانه ۲۰ جایی شده است. این توجیه را ضروری می دانیم همچنان که در این شهر است محبتی را با یکی بودن آقای عجمی و سایر افراد که نشان در آخر بهانه کارگران برده اند در این بود که کارگران فقط خواستار اخراج آنها از کارخانه بودند.

بندرانزلی - کارگران کارخانه جوب بری و جعبه سازی چی - بی - ان واقع در یک کیلومتر ۱۰ جاده انزلی - رشت ۱۶ تن در ۵۸ در محل کارخانه متحصن شدند. کارگران اعلام کردند تا رسیدن به خواسته های برحق خود به تحمیل ادامه خواهند داد. مهمترین خواسته های کارگران عبارتند از:

- ۱- جلوگیری از تعطیل کارخانه به وسیله کارفرما.
- ۲- جلوگیری از اخراج کارگران.
- ۳- حق ۴۰ ساعت کار در هفته.
- ۴- حل مسائل کارگری باید زیر نظر شورای کارگران باشد.
- ۵- کلیه حقوق و مزایای کارگران که تا به حال پرداخت نشده است باید پرداخت گردد.



استفاده از کار کودکان يك اقدام ضد انسانی است

در جامعه سرمایه داری استفاده از کار کودکان یکی از شیوه های متداول و مرسوم است. سرمایه داران کودکان را به کار و می دارند و با پرداخت مزد بسیار ناچیز و استثمار وحشیانه کودکان سودهای هنگفتی به جیب می زنند. یکی از نمونه های استفاده از کار کودکان در کشورها به کار کودکان در کارخانه های نساجی است. کودکان را که به هیچ وجه شرایط جسمی و روحی آنها مادگی کار در چنین محیطی را ندارد. گاهی به مدت ۱۲ ساعت در روز به کار می دارند. کار این کودکان حمل و نقل مواد شیمیایی است که در تهیه گل حفاری مورد استفاده قرار می گیرند. این مواد در کبسه های ۲۵ کیلوگی بسته بندی شده و حمل و نقل این مواد شیمیایی توسط کودکان باعث مبتلا شدن آنها به بیماریهای خطرناک می شود. به علاوه این کودکان هیچگونه امکانات رفاهی ندارند، از نظر ایمنی فاقد دستکش

لباس کار، کلاه ایمنی و غیره هستند حتی قوانین و مقررات کذایی کار را هم در مورد آنها رعایت نمی کنند و از نظر ایمنی و خطرات ناشی از کار هیچگونه مسئولیتی متوجه کارفرما نیست. در شرایطی که این کودکان دارای سزیمیتی هستند که عظیمترین درآمدها را نصیب عده ای می کند اما خودشان در فقر و تنگدستی زندگی می کنند تحت شدیدترین و حیوانی ترین نوع استثمار قرار می گیرند. حتی لباس آنها نیز از کبسه های آلوده به مواد شیمیایی است. حاصل دسترنج آنها در اختیار سرمایه داران و زردان بین المللی قرار می گیرد. دولت کنونی نیز هیچگونه اقدامی در جهت جلوگیری از کار کودکان. تامین مالی آنها و خانواده هایشان انجام نداده است و همچنان کودکان مورد استثمار و حشیتانه سرمایه داران قرار می گیرند.

مسئولین شیلات برای سرکوبی کارگران از ماموران ژاندارمری بندرتکمین استفاده کردند

های اونسی ترسند، برکتش مدیرعامل شیلات نیز بدون اینکه پاسخی به کارگران بدهد روز هفتم تیرماه قصد خروج از جزیره را داشت که کارگران جلوی خروجش را گرفتند ولی بعد از ظهر همان روز یک فروند هلی کوپتر نظامی با افراد مسلح به اتفاق فرمانده هنگ ژاندارمری گرگان به آنجا آمد. آنها بلافاصله با اسکورت مدیرعامل شیلات را خارج کردند و با خود بردند. در موقت رفتن فرمانده ژاندارمری، مثل همیشه قول داد در عرض ۱۰ روز به خواسته های کارگران رسیدگی کند. بعد از رفتن آنها کارگران در صحبت هایی که با هم داشتند به این نتیجه رسیدند که در درجه اول باید شوری موقت خود را به شورای دائم تبدیل نمایند. شورا باید قدرت اجرایی داشته باشد و در اتحاد با شورای صیادان بطور هماهنگ و متشکل علیه ظلم زور شرکت شیلات اقدام کنند.

آشوراده (بندرتکمین) - از صبح روز شنبه ۳ تیرماه تمام کارگران شیلات ناحیه ۴ شمال دست از کار کشیدند. کارگران به عدم پاسخگویی مقامات مسئول به خواسته هایشان معترضند. کارگران می گویند:

حق نوار موزی باید به کارگران پرداخت شود ولی وزارت کار اعلام نموده فقط کارمندان از این حق برخوردارند. از طرفی مسئولین شیلات آشوراده بجز از اینکه نفاق در بین کارگران بیندازند عده ای از کارگران را هم به عنوان کارمند قلمداد نموده اند. این عمل مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و آنها در مقابل اداره شیلات متحصن شدند. مسئولین شیلات برای سرکوبی کارگران از ماموران ژاندارمری استفاده کردند. ابتدا فرمانده ژاندارمری باید درجه دار به محل آمد، ولی وقتی دید حرفش روی کارگران تاثیر نداشت و کارگران از تهدید

جماداران با کمک اداره کار و کمیته، مجمع عمومی کارگران را برهم زدند

آدوب طلب بد پالان خانه کارگر آمد ه بودند. به هر حال کارگران پس از اطلاع از محل دستگیر شدن در جلوی کمیته بست نشستند و خواهان آزادی کارگران شدند که ۸ نفر از کارگران آزاد شدند ولی چهار نفر دیگر در بازداشت ماندند. در برخورد کارگران با شورای صیادان منتقل شدند. برهم زدن اجتماع کارگران پروژه ای بیکار دیگر نشان داد که چگونه عناصر ضد کارگر در اداره کار اصفهان و کمیته همدست شده اند.

که در واقع کارگر بودن متقاضیان عضویت سرسندیکا را ثابت می نمود. ولی نماینده اداره کار، این کارت هارایی اعتبار خواند و گفت هر کس بخواند می تواند وارد سالی شود. به این ترتیب راه برای رخنه عناصر مترجم بنژند و هنگام سخنرانی یکی از کارگران ناگهان عناصر ارتجاعی و ضدکارگر از جای بلند شدند و با روححال راه انداختند و به طرف در سالی هجوم بردند. کارگران که وضع را آشفته دیدند ناچار از ترک سالن شدند. آنها در داخل حوضه اعضای شورای مونسور عده ری از کارگران را کتک زدند و جمعا ۱۲ نفر دستگیر کرده و به کمیته بردند. جالب این است که قولا ۴ پاسدار سرانی حفظ نظم و جلوگیری از نفوذ عناصر

اصفهان - کارگران بیکار پروژه ای اصفهان طی قرار و اعلام قبلی جهت تشکیل مجمع عمومی صبح روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۵۸ در خانه کارگر اصفهان اجتماع کردند. باینکه از ۱۵۰ روز قبیل دعوتنامه در سطح استان پخش شده و به تمام مراجع مسئول اطلاع داده شده بود ولی عناصر مترجم شناخته شده که سابقه ضدکارگریشان برای هم روشن شده است مانع برگزاری انتخابات شدند. نماینده اداره کار اصفهان نیز با عناصر مترجم هممدا شد و با وجود اینکه ۱۵۰۰ کارگر در سالن خانه کارگر حضور داشتند، اعلام نمود که تعداد کارگران جهت رسمیت مجمع عمومی کافی نیست. قتل کارتهای برای کارگران صادر شده بود

۱۵۰۰ کارگر شرکت ساختمانی آبادانا حق خود را میخواهند

ان با کار فشرده و شرایط بسیار دشوار از صبح تا شب کار می کنند. نمایندگان کارگران متحصن در چهارمین روز تحصن با نمایندگان وزارت کار مذاکره کردند که نتیجه چندانی به دست نیامده است. وزارت کار مایل است حق سالانه کارگران (به مدت ۴۵ روز در سال) به آنان تعلق بگیرد. اما کارگران با توجه به توانین موجود مبنی بر وام بیکاری و مزایای دیگر، خواستار حقوق قانونی هستند.

تهران - بیش از ۵۰۰ کارگر رسمی شرکت آبادانا در محل بانک رهنی تهران تحصن کردند و خواستار پرداخت شش ماه حقوق عقب افتاده (ازدی ماه ۵۷) افزایش مرخصی سالیانه و حق اولاد شدند. صاحب کار شرکت، فرانسوی است که از ایران خارج شده لیکن اعتبار شرکت از جانب بانک رهنی تهیه شده، تعداد کارگران شرکت قریب ۱۵۰۰ نفر می باشد. شرکت آبادانا در امور ساختمانی و اتوبان سازی فعالیت می کند و کارگران

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع، بانکها و شرکت های وابسته را

قصه گاو بزرگ

داستان زیر نوشته رفیق شهید غلامرضا گلوی است.
رفیق گلوی در سال ۱۳۲۶ در زابل به دنیا آمد. پدرش درجه دار بود. در سال ۱۳۴۵ در رشته تاریخ دانشگاه شهید ثبت نام کرد. پس از اتمام تحصیلاتش در سال ۱۳۴۹ جزو سه نفر اعضای هیئت مرکزی شاخه مشهد بود. در بهار ۱۳۵۰ از دانشجویان هفتاد و نه نفری که در شهریور ماه همین سال بطور اتفاقی در خیابان شناسائی ندوبه سارت در خمین در آمد و در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۰ در کنار رفیق کبیر مسعود احمدزاده و چهار رفیق دیگر در برابر جوخه اعدام ایستاد.
رفیق گلوی دارای روحیه ای بسیار پرشور و پرتحرک بود. حتی در اسارت و در سخت ترین شرایط نیز می گویید با شوخی های خود دیگران را سرگرم کند و روحیه همه را بالا ببرد. این داستان او با نام مستعار در فروردین ۱۳۵۰ در مجله بوزیک ایران (شماره ۵) به چاپ رسیده است. البته رفیق خود می گفت که داستان را در دوره دبیرستان نوشته و آن را در آن وقت در اختیار رفیق گلوی قرار داد. در زمینه چاپ داستان و آثار داستان گونه در این صفحه با نام و یاد رفیق گلوی آغاز می کنیم. کاش این رفیق اکنون در کنار ما بود و می دید که چگونه خلق قهرمان ویتنام (که در این داستان دو جود " بزرگ " تحلی یافته) سرانجام به پیروزی رسیده و چگونه در میهن مانیز این " گاو بزرگ " هدف حمله قهرمانانه مردم قرار گرفته است.

داستانی برای برویچه ها
یکی بود ، یکی نبود . یک گاوی بود که دو شاخ بزرگ و تیز داشت و از صدای (قدمهای) سنگینش همه می ترسیدند و هر وقت چفت می انداخت همه روم می کردند . عادت همیشگی اش این بود که موقع غذا خوردن همه را فراری می داد و بهترین علف را که مال دیگران بود می خورد . از هر موقعیتی برای بلعیدن غذای دیگران استفاده می کرد . موقع دعوا میانجی می شد و طرفین وقتی متوجه می شدند که او برایشان چیزی نگذاشته بود . این گاو توی مزارع همه می رفت و لگد کوب می کرد و بی کارد و فصولات می انداخت . بعضی ها هم برای اینکه به مردم بفهمانند که با گاو سرور می دارند فصولات تراش می کردند و بعد در دو یا چارخانه شان آویزان می کردند و از غنوت آن نمی ترسیدند و بعد از آن که صدایشان در می آمد با شاخ های تیز او طرف می شدند . هیچکس نمی توانست در مقابلش ایستادگی کند مگر قبلی که در سرزمینهای دیگر زندگی می کرد و دندانهای بلندش داشت . گاو از آن قبلی خیلی می ترسید و به همین جهت مال دیگران را می خورد تا جای تر و قویتر شود که اگر روزی قبلی به سراغش آمد بتواند از خود دفاع کند و با او ایستادگی کند . البته علت مخالفت او با قبلی این بود که قبلی نمی خواست گاو مال مردم را بخورد . این گاو البته به مردم کمی شیر می داد ولی در مقابلش تر از آنچه می داد می گرفت و ذخیره می کرد . خانه اش پر از علوفه بود . علوفه را توی زیر زمین خانه اش قایم می کرد و روزی آن را می پوچاند تا کسی نتواند آن را برای روز مناسبت نگاه داشته بود .

گاو تا می توانست خود را علیه قبلی مسلح می کرد و شاخ هایش را به دردیوار می مالید تا تیزتر شود . وقتی از قبلی صحبت می شد از گفتن هیچ بدیهه ای ابا نداشت . هر وقت کسی از منطقه قبلی می آمد و او را به خانه اش دعوت می کردند اخباری کسب می کرد و بعد به مردم به غلط پخش می کرد که قبلی چنین و چنان است . مردم هم به واسطه گفته هایش از قبلی متنفر بودند . اما همه می خواستند قبلی یک دفعه هم که شده باشد به سرزمین آنها بیاید تا نزدیک او را ببینند . اما گاو هم مثل همه موجودات کنجگویی عجیبی داشت . همیشه وسوسه نزدیک شدن به سرزمین قبلی و دیدن او را از سر می داد . اما به هیچ وجه به اطرافش اجازه نمی داد به سرزمین قبلی نزدیک شوند یا او را ببینند . گاو به همه جاسر می زد . به

برای اینکه گاو بزرگ کاملاً از بین برود باید راه کشتزارهایمان را به روی او ببندیم تا دیگر فصولاتش را اینطرف و آنطرف نبینیم و بسوی خفه کننده اش را نشویم .

همین جهت بود که ردپایش همه جا به چشم می خورد و فصولاتش همه جا آویزان بود . در این سرسویاحت بعضی اوقات مجبور می شد با کسانی مشاجره کند . اگر زور می رسید منگوشان می کرد و الا عقب می نشست . اما کمتر عقب نشینی می کرد برای اینکه زورش از همه حرفیان بیشتر بود و این امر بخاطر آن بود که از همه بیشتر می خورد و به دیگران مجال خوردن یک وعده غذای کافی را هم می داد . یک روز که گاو به قلمروی قبلی نزدیک شده بود به مزه مزای برخورد کرد که سرکسی زرد مردنی از آن حفاظت می کرد . به عادت قبلی داخل شد و می خواست مشعل همیشه هر چه می خواهد بکند . اما پسرک هم نمی خواست به او چنین اجازه ای بدهد و همین جهت با جوب و سنگ به جنگ او آمد . گاو که اصلاً انتظار چنین عملی را نداشت عصبانی شده طرف او حمله برد . پسرک تا وقتی که گاو به او نزدیک بود به طرفش سنگ می انداخت و وقتی نزدیک می شد فرار می کرد و قایم می شد . از سر و صورت گاو خون جاری شده بود . شاخ هایش تیزی خود را از دست داده بود و به عرق هایش آرام نشده بود . خسته و کوفته به کنار جوی آب رفت . کمی آب خورد و بعد هم مشغول چریدن شد ولی هنوز نیم سیر نشده بود که باز سرگله پسرک پیدا شد . اینبار فلاختی دردست داشت . گاو عصبانیتش را از پیش به او حمله ور شد ولی باز مثل قبلی پس از اینکه چند سنگ بر سرش آمد پسرک ناپدید شد گاو که متغلب شده بود به گوشه ای رفت تا کمی استراحت کند ولی طولی نکشید که از ضربات پسرک از خواب بپرد . به جالاک می طرف پسرک خیز برداشت . شاخش به به پیرهن پاره او گیر کرد و پاره ترش کرد و یک گوشه از شکمش را زخمی کرد . اما پسرک با سرعت روی درختی که نزدیک او بود پرید و از آنجا به طرف گاو سنگ می انداخت . گاو هم بیپوده سرش را به درخت می کوبید . شاید خیال داشت آن را از ریشه در آورد .

این زد و خورد هنوز هم ادامه دارد و ما که در سرزمین دیگری زندگی می کنیم فریادهای درد آلود گاوی را شنیدیم و به نظری رسد که شاخش هم خیلی کند شده باشد . اما در همه حال فریادهایش را بلند تر کرده است و همین باعث شده کسان دیگری هم که گاو علوفه شان را از دیده است به کمک پسرک بشتابند . گاو اگر چه عرو و تیز زیادی می کند ولی خوب معلوم است که بین آمدت کمی برای همیشه نماند . خفه خواهد شد . چرا که در سایر نواحی هم گاو سرزمین پسرک خیلی دورتر است بر علیه او مسلح شده اند . علت اینکه گاو این همه پر زور است و هنوز هیچ مقاومتی نمی کند این است که از سرزمین هائی نظیر سرزمین ما علوفه های زیادی به او می رسد . بنابراین برای اینکه کاملاً از بین برود باید راه کشتزارهایمان را بسوی او ببندیم تا دیگر فصولاتش را اینطرف و آن طرف نبینیم و بسوی خفه کننده اش را نشویم .



این شعر به مناسبت سالروز درگذشت مصدق در اسفند ماه گذشته سروده شده است . واکنش به مناسبت فرارسیدن روز تاریخی " ۳۰ تیر " آن را چاپ می کنیم . کوشش ما بر این است که در مناسبت های گوناگون برخی اشعار رسیده را چاپ کنیم . حتی اگر تمامی ضوابط و معیارهای که در مقالات گذشته طرح کردیم در آن تها رعایت نشده باشد .

زنگ خطر

بچه ها ، گوش کنید
نکته اینجاست که با رفتن شاه
و نظام " طاغوت "
باز هم یانگی بیشرم در این ویرانه
باز از آن حمله
در پی غفلت ماست
که مگر بار دیگر
از طریق معمول
انگلیستان بزرگ
و در آن هنگامه
بشت سرداشت تمام مردم
دهشتین شهری
کارگر ، پیشه ور و روشنفکر
و تمام آنها
که به ایران عزیز
عشق می ورزیدند
ولی افسوس ، که با آنهمه رنج
و شهید بسیار
مثل امروز که در میهنمان می بینیم
کم بها داده آن دشمن خلق
آن جهان خوار بزرگ
و تجاوزگر امریکائی
گرچه او می دانست
که به همراه شغال لندن
" سگ زردی " هم هست .
با وجودیکه " سیا " توطئه کرد
و پس از آنکه سیا توطئه اش خنثی شد
شاه ترسید و گریخت
باز این مرد بزرگ تاریخ
ارتش توطئه گر را ، درهم
نشکست
و مسلح نمود
توده های مردم
باز هم توطئه شد
گودتا شکل گرفت
کار از کار گذشت
شاه خائن برگشت
سال ها تیره نمود
روزگار مردم .
سال ها غارت کرد
و به غارت می داد
ثروت ملی ما ،
چه جنایت ها کرد ،
که شعاعی دانید .
و در این دوره خونین و سیاه
بانگی دزد و دغلتکار ، مددکارش بود .
تا وقت ملت ما ضعیفان کرد
شاه یک بار دیگر
خوراوش رهنده گریخت
گرچه بیگارتانند

بچه ها ، گوش کنید
نکته اینجاست که با رفتن شاه
و نظام " طاغوت "
باز هم یانگی بیشرم در این ویرانه
باز از آن حمله
در پی غفلت ماست
که مگر بار دیگر
از طریق معمول
انگلیستان بزرگ
و در آن هنگامه
بشت سرداشت تمام مردم
دهشتین شهری
کارگر ، پیشه ور و روشنفکر
و تمام آنها
که به ایران عزیز
عشق می ورزیدند
ولی افسوس ، که با آنهمه رنج
و شهید بسیار
مثل امروز که در میهنمان می بینیم
کم بها داده آن دشمن خلق
آن جهان خوار بزرگ
و تجاوزگر امریکائی
گرچه او می دانست
که به همراه شغال لندن
" سگ زردی " هم هست .
با وجودیکه " سیا " توطئه کرد
و پس از آنکه سیا توطئه اش خنثی شد
شاه ترسید و گریخت
باز این مرد بزرگ تاریخ
ارتش توطئه گر را ، درهم
نشکست
و مسلح نمود
توده های مردم
باز هم توطئه شد
گودتا شکل گرفت
کار از کار گذشت
شاه خائن برگشت
سال ها تیره نمود
روزگار مردم .
سال ها غارت کرد
و به غارت می داد
ثروت ملی ما ،
چه جنایت ها کرد ،
که شعاعی دانید .
و در این دوره خونین و سیاه
بانگی دزد و دغلتکار ، مددکارش بود .
تا وقت ملت ما ضعیفان کرد
شاه یک بار دیگر
خوراوش رهنده گریخت
گرچه بیگارتانند

توضیح درباره معرفی رفیق بویان و انتقاد از آن

رفیقی به نام " علیرضا " برای ما
با داشتی . فرستاده است در ارتباط با
مطلبی که در صفحه ادبیات کارگری نشریه
شماره ۱۲ تحت عنوان " یادش هست
همشهری ؟ " درباره رفیق شهید امیر پرویز
بویان چاپ شده بود . این رفیق به بخشی
از مطلب که در آن خاطرات از مصداق
موجودی بانک آذربایجان نقل شده بود
اشاره کرده و یاد آوری کرده است که همین
خاطره در کتاب " پاره های از تجربیات جنگ
چریکی شهری در ایران " به شکل دیگری
آمده است . باتشکر از توجه و دقت این
رفیق توضیح می دهیم که ماسی کرده
بودیم با استفاده از خاطراتی که رفقای
سختی از " امیر " نقل می کردند ، آنهم
عمدتاً خاطراتی که می دانستیم در جایی
چاپ و منعکس نشده و برای خوانندگان
تا زکی دارد ، معرفی نامه مذکور را تهیه
کنیم .
حال که صحبت از این مطلب شد

خطاب

می توانید مرا
هم بدان جرم که فریاد زدم :
آزادی
زنده بسوزانید ، آتش بزنید .
می توانید صدایم را چون سنگ
به زنجیر کنید
و سرودم را از دار بیاویزید
نام را اعدام کنید
می توانید فرمان خدای ظلمات
در خیابان عبور تاریخ
که کشتان های بزرگ جاری از
انسان
عشق
صدای گل سرخ

همه را بگیر تاراج کنید .
جهت انید ولی کرد بیرویدن جنگل یا بالیدن
صبح ؟
گرچه آفاق امروز آینه ساکت این صبر
نجیب است و به خون آغشته ست
روزی آن صاعقه سرخ که می باید
فریاد بزرگش را سر خواهد داد .
تا که خواب از سرگها ببرد .
و بداند که سیلاب ، به رنگی دوخفیر ،
هرگز از پای نخواهد افتاد .

توضیح در مورد پوستر رفیق صمد بهرنگی

یکی از شاگردان رفیق صمد بهرنگی
که اکنون در جردان نیروی هوایی است
برای ما نامه ای فرستاده و در مورد عکسی
از کلاس رفیق صمد در روستای آخرجان
که به صورت پوستر تکثیر شده توضیحاتی
داده است . او یاد آوری کرده است که در
این عکس علامت ضربدری بالای سر
نفر چهارم زده شده و او را رفیق شهید
علی اسفند عرب هرسی معرفی کرده اند
در حالیکه او شخص دیگری است و رفیق
عرب هرسی اصلاً در این عکس نیست
نویسنده نامه سس نام همگی شاگردان
کلاس را (که سیزده نفر هستند) به ترتیب
نوشته و همچنین توضیح داده است که هر
کدام از آنها بالاخره چند کلاس خوانستند
درس بخوانند و در حال حاضر چه شغلی
دارند (او خود از کسانی است که در عکس
دیده می شود) .
اگر موردی پیش آمد ما از این
توضیحات استفاده خواهیم کرد .
در اینجا باتشکر از محبت این شاگرد
رفیق شهیدمان ، لازم می دانیم یاد آوری
کنیم که این عکس به وسیله سازمان
چریکهای فدائی خلق به صورت پوستر
در نیامده و تکثیر نشده و در نتیجه نام
رفیق شهید عرب هرسی نیز با نظر و
اطلاع سازمان در این عکس ذکر نشده
است . شاید انگیزه کسانی که نام او را ذکر
کرده اند ، آنچنان که نویسنده نامه حدس
می زند تنها سودجویی بوده باشد .

پیشنهادات و نظریات
انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال
نمائید .
تهران - خیابان کشاورز ، خیابان
دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران .
تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و
تلفن به ستاد از ساعت ۴ الی ۸ عصر)
آدرس بانکی - تهران ، بانک ملی
ایران شعبه دانشگاه ، شماره حساب
۳۲۰۹۸
بنام عباس فضیلت کلام .
از کلیه هموطنان می
خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای
مالی خود را که به بانک واریز شده است ،
مستقیماً برای ستاد ارسال دارند .

مصاحبه با کارگران و اعضاء شورای کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز

● نماینده شورا : ما تا آخرین نفس برای یکپارچگی و اتحاد خود خواهیم ایستاد و در این راه مبارزه خواهیم کرد.
● یکی از کارگران : آنهايي که در فکر آن هستند تا دو بار رژیم طاغوتی بازگردد این فکر را با خود به گور خواهند برد.

کتابخانه ما از استانداری آمده است می گوید که آنها بطور روشن و صریح جواب نمی دهند و مافلاکاری از پیش نبرده ایم. کارگر دیگر: الان که کارگران می گویند قادرند کارخانه را خود اداره نمایند کاملا درست است. زیرا قبلا نیز این کارگران بودند که کارخانه را اداره می کردند و چرخهای کارخانه را به گردش درمی آوردند و کارفرما نقش چندانی در اداره این کارخانه نداشت. او فقط کارگران را به جان همدگر می انداخت.
یکی از کارگران "نقش کارفرما این بود که دستباز رادرجیب های شلوارش فرو برد و فقط ظلم کند."
کارگری بزرگ بریده شروع به صحبت می کند. "من ۴۵ سال این کارخانه کار کرده ام. آری ۴۵ سال. در این ۴۵ سال ۳ بار به سختی مریض شدم. چشم و دهانم نریخته شده است. دوبار دچار فتنه شده ام و سلامتی جسم را در اینجا از دست داده ام. نه حقوقی برای زندگی داشته ام و نه دستمزد کم کافی می کرده که مسکنی برای خود بخواند ام دست و پا کنم. الان خانه ای که من در آن می نشینم مال بانک است و اگر بانک این کارخانه را بخواهد از من بگیرد می تواند. دستمزد حدود ۷۰۰ ریال است که با بیمه و مالیات و غیره ۵۰۰ ریال برای من باقی می ماند در حالی که ما از حق بیمه خود نتوانسته ایم استفاده کنیم."

کارگر بغل دستی او می گوید:
"راستی می گوید. وقتی این رفیق ما مریض شد، بیمه قبولش نکرد و مجبور شد به دکترهای خصوصی مراجعه کند نسخه های او را هر چند که ما گوش کردیم قبول نکردند و حتی یک شاهی نتوانست از بیمه استفاده کند، ما هر چه پیش ارباب رفتیم تا او را متقاعد کنیم که کار رفیق ما سخت است و زیاد کاری کند، حداقل جانشینی برای او پیدا کنید قبول نکرد و گفت باید سرکار خود بماند."
کارگر قبلی می گوید:
"این قسمتی از سرگذشت زندگی بود ولی اگر ما بخواهیم واقعا سرگذشت نجیب و دردها و مشکلات خود را به شما بازگو کنیم شما بایستی مدتها بنشینید و بنشینید و به وقت گوش بدهید."

یکی از کارگران پیر کارخانه که بنظر هفتاد ساله می رسید و به درستی نمی توانست حرف بزند اشاره هایی می کند. می پرسد موضوع چیست؟ بغل دستی اش جواب می دهد که او هم حرفهایی دارد ولی قادر نیست ادا کند. می گویم اگر منظورش را می فهمی تو بگو. قبول می کند. می پرسد. از اینجا کاری کنی؟ دوستش جواب می دهد. "از جوانی به این کارخانه آمده و حدود ۴۵ سال است اینجا کار می کند. در این ۴۵ سال یک پرسش را اینجا از دست داده است: "می پرسد چند سال داری؟ دوستش پاسخ می دهد: "حدود هفتاد سال پاهایم شکر."
بعد در جواب اینکه حدود سنی در این کارخانه چقدر است می گویند: "جوانترین کارگر اینجا پسر طیب ۱۵ سال دارد و پیرترین کارگران حدود هشتاد ساله اند."

می پرسد: آیا بیمه شده ای؟ دوستش جواب می دهد: "نه خیر اگر بیمه شده بود حداقل می توانست در این کارخانه بازنشسته شود."
کارگر دیگری می گوید: "اگر کارفرما به موقع اورا بیمه کرده بود الان بازنشسته شده بود."
دیگری می گوید: "کارفرما همه ظلم کرده است."
از وضع کمیته ها و رفتار آنان می پرسد. جواب می دهند: "در کارهای ما دخالت می کنند. مثلا سه روز قبل از حزب (منظور حزب جمهوری خلق مسلمان است) شش هفته نرفتمه بودند. یکی از آنان طیانچه کشید. مادست به دست هم دادیم که کارگران را از زندان می پرسد. برای چه چیز آمده بودند؟ جواب می دهد: "برای توجیه کردن اعمال خود در مورد دستگیری یکی از نمایندگان ما."

می گویم. خوب ادامه بده. ادامه می دهد:
"آری مادست به دست هم دادیم تا کارگران را از زندان بیاوریم و فرصت دادیم ولی اواز فرستاد بدجوری استفاده کرد و طیانچه خود را کشید. یکبار من متوجه شدم که گلوله ای از زیر پایم رد شد. ابتدا خیال کردم که گلوله خوردم. بالاخره اورا به هر شکلی بود از کارخانه بیرون انداختیم."
می پرسد: آیا واقعا قصد داشت شمارا هدف قرار دهد یا منظورش ترساندن بود؟ جواب می دهد:
"نه خیر آقامی زد. مادست را بالا نگه داشته بودیم داشت می زد"

"بلی یکی بود که می خواست با کارهای شورما مخالفت نماید و ما جلو او را گرفتیم. شاید اونیز تقصیری ندارد. و احتمالا این کارفرما بود که گوش زده بود. کارگر شریف درستکار هیچ وقت بر علیه دوست کارگر خیر چیزی نپسندیدیم نمی کند. بلکه ما سرمایه دار و کارفرماست که به این چنین توطئه های می چند مثلا سابق وقتی کارگری شده بودم. کارفرما به دو نفر کارگر پول داده بود تا مرا کتک بزنند. ولی آن می پرسد کارفرما چه توطئه هایی می کند تا کارهای اساسی شورا جلوگیری نماید. می گوید:
در کارخانه سه چهار نفری هستند که از سرمایه دار و کارفرما دفاع می کنند و کارفرما نیز از ادای و ناکاهی آنها سو استفاده می کند. مثلا زمانی که من دبیر سندیکا بودم و به علت فعالیتهایم از کارخانه اخراج شده بودم. کارفرما به دو نفر کارگر پول داده بود تا مرا کتک بزنند. ولی آن دو نفر آمدند و ما را جرحا را به من گفته و من از آنها تشکر کردم. چنین افرادی هستند ولی خیلی کم و اغلب نفهمیده به چنین کارهایی دست می زنند ولی اخیرا خیلی از آنها نیز فهمیده اند که موضوع از چه قرار است."

یکی از کارگران:
امید ما این است که این اتحاد و اتفاق در کارخانه های دیگر هر چه زودتر به چشم بخورد و کاش بهمین زودی.

از کارگر دیگری سوال می کنم که شما در مقابل توطئه های کارفرما برای خنثی کردن کارهاشان چه می میکنید؟
پاسخ می دهد:
اتحاد و یکپارچگی ما باعث می شود تا تمام توطئه ها و تمام کارهایی که کارفرما بر علیه ما انجام می دهد با شکست روبرو شود. می پرسد. شما فکر می کنید این اتحاد تا کجا ادامه پیدا می کند؟
جواب می دهد:
ما تا آخرین نفس برای یکپارچگی و اتحاد خود خواهیم ایستاد و در این راه مبارزه خواهیم کرد.
از کارگر میان سالی می پرسد: وزارت کار برای شما چه کرده است؟ او چندان چیزی نگفت. پاسخی می دهد:
"هیچ کار. تمام کارها را خودمان با نظر خودمان کرده ایم و آنها مجبور شده اند کم و بیش کارهای ما را قبول کنند."
می پرسد: آیا در این کارخانه کارگر زن هم کاری کند؟
پاسخ می دهد:
بلی. می پرسد: وضع آنان چگونه است؟ پاسخی می دهد:
"ما زنان کارگری داریم که ۳-۴ سال است کاری کنند و وجد و د ۴۵۰۰ ریال مزد می گیرند ولی بطور کلی وضع آنها نیز مثل وضع کارگران مرد است."
می پرسد: حداقل و حداکثر دستمزد کارگران این کارخانه چقدر است؟ پاسخی می دهد:
"حداقل دستمزد ۲۳۰ ریال و حداکثر دستمزد برای کارگران معمولی ۵۵۰ ریال برای کارگران و کارکنان ماهر ۷۵۰ ریال است."
از اتحاد و ارتباط آنان با کارگران سایر کارخانه ها بخصوص

نماینده شورا به کارگران:
در کار ما دخالتی صورت می گیرد. ولی ما شمارا داریم. تا شما با قدرت تمام پابرجا هستید ما هیچگونه ترسی به دل راه نخواهیم داد.

کارخانه های کبریت سازی ممتاز تبریز جواب می شوم. می گویند:
"ما تا آنها اتحادیه کبریت سازی را تشکیل دادیم. متاسفانه بعضی از نمایندگان کارخانه ممتاز طرفدار کارفرما خود هستند. او هر کسی را که استخدام کرده به آنها قبولانده است که وظیفه اش جاسوسی و دادن گزارش های کارمندان است تا به امروز کارفرمای کارخانه ممتاز توانسته است نفوذ سابق خود را در کارخانه حفظ نماید. این وضع در کارخانه ما به هیچ وجه دیده نمی شود. علت آنهم اتحاد و یکپارچگی بی نظیر ماست. البته وضع ما نیز قبلا مثل وضع آنها بود."
می گویم: آیا فکر نمی کنید کارگران کارخانه ممتاز هم راه شما طی کنند؟ پاسخی می دهد:
"الان تقریبا همینطور است یعنی اکثر کارگران تحت نفوذ کارفرمای خود باقی مانده اند. مثلا در مورد تعطیلی پنجشنبه ها، کارگران کارخانه ممتاز از این موضوع به شدت استقبال کرده اند ولی همین چند نماینده موافق نیستند. نمی دانیم تحت چه شرایطی این نمایندگان انتخاب شده اند. احتمالا بازم اعمال نفوذی در مورد انتخاب آنها شده است."
کارگر دیگری:
"حتما این هم به سازش کاری همان عناصر خریداری شده و ناکاهی برخی از کارگران مربوط است. به نظر من آنها با کارفرما دینداری کرده اند. می پرسد آیا خواهید توانست کارخانه را به نحو احسن اداره کنید و کارها را پیش ببرید؟ همه پاسخی می دهند:
چرا نتوانیم؟ البته که قادر خواهیم بود ولی باید در نظر داشت که کارفرما الان تمام مسئولیت ها را از جمله مسئولیت خرید و فروش را نیز به گردن نمی گیرد. دولت نیز قبول ندارد که ما هیبت یا مدبرعامل برای اداره کارخانه انتخاب نمائیم."
یکی از کارگران: "دولت فعلا تا اینجا قبول نکرده است و همین الان نیز

نزدیکهای ظهور و کارخانه می شو و سراغ شورای کارخانه می گیرم. می پرسند چکار دارید؟ می گویم از روزنامه آمده ام شخصی را صدا می زنم و مردی بلند قامت مرا از پله های آهنین به اطاقی که اداری آن جمع هستند راهنمایی می کند. اعضای شورا نماینده کارگران هستند با لباس های کارنشته اند. من خود را معرفی می کنم و علت آمدنم را با آنها در میان می گذارم. با خوش بینی استقبال می کنند. تصمیم می گیرم ابتدا چند کلمه ای با اعضاء شورا صحبت کنم. سپس به میان کارگران که سرگرم کار هستند بروم. از کارگری که پشت میز آهنی نشسته است شروع می کنم و از نقش کارگران بخصوص کارگران این کارخانه در انقلاب می پرسم. جواب می دهد:
نقش کارگران در این انقلاب خیلی مهم است. در تمام اعتصابات و جلوه ها و مبارزات این کارگران بودند که سینه خود را سپردند و جلوه رفتند. حال انتظار دارند دولتی بر سر کار آید که آرمانها و خواسته های راکه سالها کارگران بخاطر آن مبارزه نموده اند. جامه عمل بپوشاند. و اما کارخانه ما. در این کارخانه کارگران شورایی وجود آورده اند و فکر می کنم که این یک شورای واقعی است. کارگران برای تشکیل این شورا نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده اند."

از وضع کارخانه می پرسم. می گوید:
این کارخانه خیلی قدیمی است. و از شروع کار آن ۶۰ سال می گذرد و سابقه کار بعضی از کارگران به ۲۰ تا ۳۰ سال می رسد. حقوق کارگران بین ۴۰۰ الی ۷۰۰ تومان در تومن است. تعداد کارگران کارخانه حدود ۶۰ نفر است و در میان این ۶۰ نفر به سختی می توان دو بیست نفر را یافت که دارای خانه ای باشند. بقیه یا مستاجرند یا از لحاظ مسکن به سختی در میضقتند و بعضی هانیز در زیر قسط وام های با بهره کم شکن زندگی سختی دارند. خدایم دادند که برای آنکه آنها بتوانند تمام قسط های خود را بپردازند باید دوباره عمر کنند. این نوع فشارها بر کارگران بخصوص کارگران کارخانه ما زیاد است و شورای کارگران سعی می کند تا حداقل امکان از این مشکلات بکاهد و در جرای آنها را حل کند. به کارگران جوان بلند قامت، رومی کتم ولی بدون اینکه سئوالی بکنم شروع می کند به صحبت:

"آقا چه فرق بین کارگر و دیگران است؟ ما رفته بودیم به حزب (می پرسم کدام حزب، می گوید حزب جمهوری خلق مسلمان) شخصی در آنجا هست به نام میرزا محمد. بر سر موضوعی با او حرف می زدیم. می گفتیم ما باید با کارمندان متحد شویم ولی او در جواب گفت کارگرها کارمند فرق دارند و بایستی نیز این فرق باشد. آخر آقا شما بگوئید چرا ما باید با اینها متحد شویم. مگر این ما نیستیم که زحمت می کشیم انگشتان خود را برای ماشین از دست می دهیم، پاهایمان بر اثر ترطوبت به ماتمیست مثلا می شود و به سرعت پیر و فرسوده می شویم ولی باز تولید می کنیم تا چرخ مملکت بچرخد. حالا چرا باید آنها برتر از ما باشند؟ از توطئه های سرمایه داران می گوید و مثال می زند:
سابقا ما قراردادی داشتیم بدین ترتیب که در ازای هر جعبه

اضافه تولید ۳۰ تومان از کارفرما مطالبه کنیم ولی هر وقت اضافه تولیدی داشتیم کارفرما از دادن دستمزد آن خودداری می کرد می گفت ندارم. در حالی که آن زمان روزانه بالغ بر ۱۵۰ هزار تومان عایدی اش بوده (و الان حساب کرده ایم بالغ بر ۱۰۰ هزار تومان از کارخانه بول می گیرد) ولی حالا ما قرارداد را عوض کردیم و برای هر جعبه اضافه ۵۵۰ جعبه تا ۱۳ تومان به کارگر پرداخت می گردد. کارگران انتظار دارند که کار خود بهره بگیرد. ما الان برنامه ای برای افزایش حقوق کارگران در نظر گرفته ایم و از طرف دیگر برای مقابله با این طرح، کارفرما با ما سرمایه داران مرتبا توطئه چینی می کنند. آنها می گویند جلوه خود را در اولی به ما بکنند تا با ترسیدن مواد اولیه کارگران بیکار بمانند و اوضاع کارخانه از هم پاشیده شود و ما آنجا دعوت به عمل بیاوریم تا باز به کارخانه تشریف بیاورند ولی کور خوانده اند. ما نگذاشتیم و این توطئه را نقش بر آب کردیم. بدین منظور جلو فروش را گرفتیم و آنها مجبور شدند مواد اولیه را بفروستند. الان نیز دوستان ما به استانداری رفته اند تا در این مورد مشکلات دیگر با دولت مذاکره کنند. البته به طرق مختلف جلو نمایندگان ما را می گیرند. ما سابق از دسپس و شکنجه های سا و اک رنج می بردیم. اکنون نیز وضع ناراحت کننده ای داریم. مثلا سه روز پیش یکی از نمایندگان پرکار و واقعی ما را افراد مسلح کمیته شبانه از خانه اش گرفته و بردند. بچه های او ترسیده بودند. روی آزادی او تلاش زیادی کردیم و کارگران به خاطر اوجاضر به کار نبودند."
پس از صحبت این کارگر پیشنها کردیم که میان کارگران برویم و با آنها صحبت کنیم. در قسمت بسته بندی با کارگران شروع به صحبت کردیم. کارگری رشته سخن را به دست گرفت و گفت:
"من از ۷ سالگی کار در این کارخانه شروع کردم. الان ۴۰ سال دارم و ۳۷ سال است در اینجا کار می کنم. ۷۲۰ ریال دستمزد می گیرم. ۹ نفر عاقله دارم. هر موقع خواستام اعتراضی برای افزایش دستمزد می بکنم، با ترس و فریاد و بدبویا روبرو شده ام. ۴۰ انگشتم را در اینجا از دست داده ام. سرمایه داران و کارفرمای ما تمام پولها را برداشته و رفته اند و شورا پولی ندارد تا دستمزد کارگران را بپردازد. کارگران مدت ها است که حقوق نگرفته اند و در وضع بدی به سر می برند."
می پرسد. شمارا چه به شورای خودتان چه نظری دارید؟ آیا این یک شورای واقعی است؟ جواب می دهد:
"این شورا خیلی خوب است. خوب کاری کند و درست عمل می کند. ما به تمام اعضای آن اعتقاد کامل داریم."
می پرسد. آیا عناصری پیدا می شوند که در کارهای شورا کارکنی کنند؟ مثلا من شنیده ام که یکی از همین عناصر در باره نماینده دستگیر شده شامدگوشی کرده بود؟
پاسخی می دهد:

دیگری می گوید:
"آقامن خودم لوله اسلحه اورا نگه داشته بودم. دستم را سوزانید. بیایم که کن (دستش را جلوی آورد).
کارگر پیر فریاد می گوید:
"روز گذشته ۴ ماشین سر بازمی فرستاد. آنها کتکی زدند ولی اینطور رفتار نمی کردند. راستش را بخواهید تا ما از آنها بیمه خیلی کینه پیدا کرده ایم. همین چند روز پیش داشتند ما را می کشند."
می پرسد: آیا همین کمیته هادرجیب تشکیل شورا و پیشبرد اهداف آنها کتکی به شما کرده اند؟ جواب می دهند:
"به ما هیچ کتکی نکرده اند. چه کتکی می خواستند بکنند؟"
کارگری می آید می گوید کارگران جمع شده اند بیاید. از آن محل خارج می شویم و به یکی از محوطه های اصلی کارخانه می رویم. کارگر جمع شده اند. دوسه نفر از نمایندگان کارگران را می بینم که بالای میزی ایستاده اند. یکی میکروفنی در دست دارد و بلندگوی این میکروفن را دیگری با دست محکم نگاه داشته است. برایم راه بازی کنند تا نزدیکتر شوم. حدس می زنم احتمالا می خواهند موضوع مهمی را عنوان کنند. از یکی می پرسم اینکه می خواهد صحبت کند کیست؟ می گویند او را گرفته بودند. نگاهش می کنم. چهره صمیمت و نگاههای استواری دارد. منتظر است هر آن رشته کلام را به دست گیرد. شنیده بودم که او را دوسه روز قبل گرفته اند. گوش می دهم. اکثریت کارگران اینجا حضور دارند. عظمت و قاطعیت کلامش را در همان جمله اول احساس می شود که می گوید:
"هر روز قبل اینها استعفا می خود را داده اند و کنار کشیده اند (منظورش سرمایه داران کارخانه است) علت استعفا آنها و کنار کشیدنشان راهمه

بش، بسوی ایساد و تقویت شوراهای واقعی

بقیه در صفحه

شوراهای دهقانی گامی است در جهت بهبود زندگی روستائیان

شیبخون به مزارع و منازل روستائیان از طرف عوامل مالکین آشکارا به هدفهای ضددهقانی زمینداران بزرگ پیش از پیش کمک کرده است. کشاورزان زحمتکش طی ماههای اخیر عملاً در بافته اند که دولت بخصوص در بعضی از نقاط به حمایت آشکار از زمینداران بزرگ پرداخته است و دیده اند که چگونه در جایی که منافع زمینداران و فئودالها به خطر افتاده دولت در صدد جبران آن برآمده است. حمایتی که تاکنون به قیمت جان صدها نفر از توده های زحمتکش و استثمار شده مبین مانجامیده است.

کشاورزان و روستائیان تحت ستم با این حساب که نمی توانند از دولت انتظار حمایت داشته باشند، تصمیم گرفته اند که "دیگر منتظر نباید ماند و با تکیه بر نیروی درخشان و جسند و یکپارچگی خود، نیروی خود را صرف

همینجا ختم نمی شود. چرا که تهاجم و غارت زمینداران و بقایای فئودالها در بعضی نقاط بیشتر شده تا جایی که غصب مجدد زمینهای دهقانان از طرف زمینداران و فئودالها با هجوم مزدوران آنان به روستا رایج شده است. در این میان دولت سیاستی بی توجهی خاص بر حق کشاورزان به وضوح از منافع زمینداران و مالکین دفاع می کند و توطئه ها و تحریکات زمینداران بزرگ را امری عادی تلقی کرده است. و حتی به حمایت آنان برخاسته است. نمونه های از پشتیبانی دولت از زمینداران بزرگ و مالکین رادرمیاریات حق طلبانه دهقانان در در کردستان و گنبد و خوزستان شاهدیم.

تشدد این قبیل تحریکات بخصوص این موقع که فصل برداشت محصول است با آتش زدن محصولات و

کشاورزان و روستائیان زحمتکش با وجود تمام تلاشهای روزافزون خود از نتیجه مطلوبی برخوردار نیستند. بعد از قیام تاکنون با وجود یافشاری های بی گران در حل مشکلات کشاورزی شان از دولت، بابتی توجهی مقامات و مسئولین مربوطه و روستائیان بارها برای لغو بدهی ها و بدهی خود به بانکها و موسسات مختلف دولتی که باقیمانده رجوع کرده اند ولی همیشه با وعده و وعید های بوج و توخالی روبرو بوده و به وسیله حقوق بگیران مالکین سرکوب شده اند. خواسته های کشاورزان در مورد پرداخت وام، کود و بذر و سموم دفع آفات به نتیجه شریخی نرسیده است. و در اغلب نقاط کشاورزی در شرایط سختی قرار دارد از طرفی زندگی دهقانان تا مین نشده است. اما مسئله به

نمونه های تازه ای از تجاوز و تجاوزچاپاول زمینداران

"آخچقل" قربانی تجاوز باربان

کردستان از روزهای بعد از قیام شاهد بکه تازی های زمینداران بزرگ یعنی کسانی که در زمان شاه همگامی نزدیکی با ساواک و ژاندارمری داشته اند، بوده است.

یکی از دهقانان نمونه این تجاوز، آخچقل، غارت، آتش زدن خانه و غارت دهقانان اطراف ارومیه و سلماس در اسفند ۵۷ بوده است.

اکنون برای همه روشن است که این فئودالها از حمایت مستقیم کمته ها و ژاندارمری و بطور کلی دولت برخوردار هستند و چنین به نظر می رسد که دولت از تجدید روابط ارباب - رعیتی حمایت می کند. همه از جریان پیش سلطه بین فئودالها خبر دارند. همه مردم می دانند که امرای ارتش، مرتجعین، قیاده موقت و فئودالها همگامی نزدیکی با هم دارند و عموماً به پیرانشهر و جلد بان بدخالت توبی و تانک ارتش نشاندهنده این اتحاد نامقدس است.

نمونه دیگری از این فجایع و ستمگری ها اخیراً در "آخچقل" در مجال "صومای" در روز پنجم تیرماه صورت گرفته. ارباب این روستا در پیش سعیدی دهقانان را به بهانه های مختلف از زمین خودشان بیرون می راند. یکی از روستائیان این ده به نام "میرزاشی" از ارباب می خواهد تا برداشت محصول به وی فرصت داده شود. ولی ارباب این تقاضا را رد می کند و خانه میرزاشی را به گلوله می بندد و درگیری ایجاد می شود. در این درگیری خود رویش سعیدی و دو برادر میرزاشی کشته می شوند. با کشتن شدن سعیدی، اربابان دیگر به خانه میرزاشی یورش آورده و خانه را به آتش می کشند. اهالی ده مجبور به پناهنده شدن به "خانه کوش" خانواده میرزاشی رانجات می دهند.

فئودالها در این جریان حدود شصت نفر از افراد خانواده و فامیل میرزاشی را از خانه و ده خود آواره کرده اند. علاوه بر ۱۲۰ هزار تومان پول و وسایل و اسب و گوسفند آنها را نیز تصاحب کرده اند.

تشکیل شوراهای دهقانی و سپهسالاران اتحادیه های دهقانی کنند تا از این طریق بتوانند ستمی را در مقابل شجاعت و غارت زمینداران بزرگ و فئودالها و خونین ایجاد کنند.

تجربیات بسیار گرانبهائی که کشاورزان گنبد و باره ای از روستاهای کردستان در تشکیل شوراهای روستایی به دست آورده اند حاوی تلاش سازنده و یکپارچه ای است که کشاورزان این مناطق پس از روبرو شدن با مشکلات بسیار بدان دست یافته اند. و اکنون شاهد شایسته هر چه سریعتر شوراهای خود هستند. تا از این طریق بتوانند خود حاکم بر سرنوشته خویش باشند.

تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی واقعی و همکاری همه جانبه روستائیان زحمتکش در این امر بار سنگین هزینه های بسیاری را از دوش دهقانان برداشته است. مالکین شاهد رشد شوراهای روستایی در باره ای از نقاط مبینسان هستند. دهقانان به خوبی بی به اهمیت فراوان این شوراهای برده اند و دیده اند که چگونه وقتی منتخبین شان که از آگاهترین و مطمئن ترین افراد روستا می باشند در قطع دست تمام عوامل وابادی رژیم پهلوی و عوامل مسز دور سرمایه دار و زمیندار قاطعانه اقدام کرده اند. دهقانان دیده اند که بعضی از شوراهای روستایی چگونه موفق به لغو کلیه بدهی های کشاورزان در رابطه با بانکها و موسسات چپاولگر دولتی و غیر دولتی و نزول و خواران مربوطه و رژیم سابق شده اند و در جهت حل مسئله زمین و بهره برداری صحیح به دست محرومترین کشاورزان که از طریق مصادر و زمینداران زمینداران غارتگر انجام شده به چه میزان ارزشمندی کام برداشته اند و به این جهت است که چون دهقانان در بافته اند که دولت نمی تواند حامی منافع آنان باشد، از این رو خواهان شرکت نمایندگان منتخب خود در تصمیم گیری های دولت می باشند.

اما نباید از این مهم غافل ماند که ستمها و تنهائی از طریق رهبری کارگران است که در مبین ما مشکل اساسی دهقانان حل خواهد شد و فقط با حاکمیت طبقات کارگر است که حل مسئله زمین و سایر مشکلات کشاورزان بطور کلی از بین خواهد رفت.



بقیه از صفحه ۵

مصاحبه با کارگران...

می دانیم و البته تمام ظلم و ستم آنها نیز روشن است و لازم به توضیح نیست. با این وصف ماسه روز است به استناداری و اداره کاری روییم ولی در این سه روز ما هیچگونه نتیجه ای از برخوردمان با این دو اداره مسئول نگرفتیم. آنها برتیا و عده روزهای آینده را می دهند. حال ما به ستم نیست ما می توانیم از آنها نتیجه کلی و اساسی بگیریم. ما به این نتیجه رسیده ایم که چون امروز لازم است کارگران مزدشان را دریافت کنند لذا شورای کارگران که از نمایندگان واقعی خودشان تشکیل یافته و شما آنرا نمایندگرمایید با اجازه شما تصمیم گرفته است به مقدار لازم جهت پرداخت دستمزد شما کسبیت بفرموده و دستمزد شمارا پرداخت نماید و اگر روز شنبه یعنی سه روز دیگر نیز اقدامی از طرف دولت مشاهده نشود ما قسروش خود را ادامه خواهیم داد تا بول تعطلات شما را آماده نمائیم و خواهش

مواظب یکدیگر باشید. دیگر عرضی ندارم. موفق باشید. اوایلین می آید. کارگردیگری از فرصت استفاده می کند و میکروفن را به دست می گیرد و چنین می گوید:

"ما هر چه طرفدار شاه و سرمایه دار هست موحو خواهیم کرد" کارگران پاسخ می دهند. "انشاء الله"

ادامه می دهد: "آنها بی که در فکر آن هستند که دوباره رژیم طاغوتی بازگردانند فکر را با خود به گور خواهند برد. کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله"

باز می گوید: "ما موفق خواهیم شد. خواسته های ما بالاخره برآورده خواهد شد. تمام خائنین را موحو خواهیم کرد. تمام سرمایه داران و طرفداران آنها را که خائن محسوب می شوند موحو خواهیم کرد" در فاصله این شعارها صدای بلند و یکپارچه "انشاء الله" به گوش می رسد. کارگران کم کم برانگیز می شوند ولی باز عده ای از کارگران می آیند و می خواهند دردها، رنجها و مشکلاتشان و خلاصه همه زنگیشان را برایشان بازگو کنند. کارگری می گوید:

"۱۴ سال پیش من یک انگشت خود را از دست دادم و نزدیک همین عید نوزادین یکی انگشتم برید. و مجبور شدن از گوشت بازویم ببرند و به انگشتم پیوند بزنند (می خواهد بپیراهنش را در آورده و بازویش را نشانم دهد) ۸ ساعت دارم و ۴۳ تومان دستمزد می گیرم. سبن به راستی قادر نیست به این زندگی ادامه بدهم.

می پرسم آیا از کارشورای خودتان رضای هستی؟ فوری جواب می دهد: "آری خیلی راضیم". می پرسم: فکرمی کنی برای پیشبرد اهداف شوراکه در حقیقت اهداف کارگران است چه کار باید کرد. پاسخ می دهد: "باید یک شویم"

کارگرد دیگری صفحات زندگی اش را بر سرعت برای ورق می زند می فهمم که ۲۴ سال است در این کارخانه کاری کند و تا حال از بسیاری چیزهای اولیه و عادی زندگی محروم بوده است و می فهمم که غلبه روزها به قول خودش رو سیاه و دست خالی به خانه نزد خانواده اش برگشته است. اومی گوید ما تقریباً ۵۰ نفر کارگریم که فقط ۱۵ نفر ما آنهم بطور سسطی صاحب مسکن هستند و بقیه از این لحاظ بسیار در مضیقه اند. او پیشنهاد می کند که از زمین های بلا استفاده بی حد و حصر توکلی یکی را در اختیار کارگران کارخانه قرار دهند تا در این زمین کارگران برای خود خانه بسازند.

از قانون اساسی و مجلس موسسان با "خبرگان" می پرسم و می گویم: "اگر به فرضی تو نماینده مجلس انتخاب بشوی در این مورد چه پیشنهادات یا اقداماتی می کنی؟"

می گوید: "من که نماینده انتخاب نمی شوم ولی شخصی که انتخاب می شود باید جلوا مثال توکلی ها را که روزانه صد و بیست هزار تومان به جیب می زنند بگیرد. این دستمزد به حقوق مانده در قانون الهی و تودر قانون غیر الهی در هیچکدام نیست. کارگرد دیگری از من با صراحتی خواهد به سخنانش گوش دهم و می گوید:

"من ۱۷ سال است در این کارخانه کاری کنم. زمانی زمنی حائله بود رفتم پیش حاج نقی توکلی از وی خواستم در این مورد کمک کند. او با عصانیت بیرونم کرد و گفت این کارخانه برایم صرف نمی کند. و با قرض دستمزد شما را می بردارم. از من این انتظارها را نداشته باش.

ما اجازه نخواهیم داد سرمایه داران علیه ما توطئه کنند. ما با همبستگی خودمان نخواهیم گذاشت آنها بر علیه ما فعالیت نمایند.

ما از کارگران این است که اتحاد کامل خود را حفظ نمایند و در نظر داشته باشند که این کاری که ما انجام می دهیم به خاطر این است که شورای واقعی کارگران در مقابل دسیسه های سرمایه داران شکست نخورد و گویند که اینها قادر نشدنند کارخانه را اداره نمایند و ما مجبور شویم که با آنها مصالحه کنیم. ما هیچوقت اینکار را نخواهیم کرد. اکنون آیا شما حاضرید ما چنین کاری بکنیم یا نه؟

کارگران با شغف غیر قابل وصفی خیلی بلند و محکم می گویند: "بله". نماینده گفتانی کند و دوباره می پرسد آیا همه حاضرید ما این دام را بکنیم؟ "بله" بحکم توریسات و قاطع تری دیوارها را می لیزاند.

حکارگری رویه من می کند و می گوید: "میدانی امید ما این است که این اتحاد و اتفاق در کارخانه های دیگر نیز هر چه زودتر به چشم بخورد و گاش به همین زودی و ایمان دارم که با سخم صحیح است."

به سخنان نماینده گوش می دهم: "خیلی خوب. اینها قرار کرده اند و با خودشان مقدار زیادی پول برده اند ولی این مشکل نیز حل شده است. ما می گوئیم دستمزد ها را اضافه کنیم."

کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله"

نماینده می گوید: "حتی در این کار شاید بعضی مداخلات نیز بشود ولی خوب ما شمارا داریم. تا شما با قدرت تمام با برجا هستی ما هیچگونه تری به دل راه نخواهیم داد. هیچوقت اتحاد خود را از دست ندهید"

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزع و د



درباره ملی کردن بانکها

● سرمایه‌های خارجی که حاصل سالها استثمار و بهره‌کشی خلقهای ایران است باید به نفع توده‌های زحمتکش مصادره شود.

بانکی راه سود کشورهای امپریالیستی انجام می‌دهند، در میان نیست. همچنین دقیقاً نشان می‌دهد که ملی شدن بانکها از نظر دولت چه مفهومی دارد.

ثانیا مدیرانی که به وسیله دولت برای بانک‌ها در نظر گرفته شده، اغلب از همان مدیران و معاونین قبلی می‌باشند که دست پرورده سرمایه داران وابسته و امپریالیسم بوده‌اند و هر یک دارای سهام زیادی در بانکها و صنایع هستند، به عنوان مثال:

علی افغانی که در رژیم سابق مدیرعامل بانک تهران بود اینک از طرف دولت به مدیریت بانک صادرات انتخاب شده است.

دکتر غلامرضا مقدم رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سابق بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران است. به مدیریت بانک توسعه صنعتی و معدنی در ایران انتخاب شده است.

ایرج آزرمد مدیرعامل بانک ایران و ژاپن و معاون بانک دارپوش اینک به مدیریت بانک توسعه سرمایه‌گذاری ایران انتخاب شده است.

بدین ترتیب می‌توانیم که دولت با سوء استفاده از اعتماد توده‌ها به بخشی از هیئت حاکمه و کاربرد قدرت متمرکز خویش می‌کوشد با دولتی کردن بانکها سرمایه‌داری از هم پاشیده راسامان دهد.

در اختیار گرفتن بانکها از طرف دولتی که نه حامی زحمتکش بلکه در خدمت سرمایه‌داران است خود می‌تواند با تمرکز کلیه بانکها در دست دولت سرمایه‌داران، سلطه بانکداران راحت‌تر و عملی‌تر سازد. بدین ترتیب نقیض دلالی امپریالیسم از سرمایه‌داری وابسته به دولت منتقل می‌شود و از این پس دولت تا مبین کننده نیازهای مالی سرمایه‌داران وابسته خواهد شد.

درست است که دولت با ملی کردن بانکها به نفع توده‌های زحمتکش می‌باشد، ولی آیا حقیقتاً بانکها ملی می‌شوند؟ خیر، با توجه به توضیحات زیر، بدینیم که بانکها فقط دولتی شده است. اولاً مسئله مالکیت سهام عمده بانکها از طرف دولت در طرح ملی شدن هیچ وجه روشن نشده و بدون ارائه هیچگونه برنامه‌ای تصمیم گیری در مورد سرمایه‌داران وابسته وعده ای از صاحبان بانکها با اوج گیری مبارزات از ترس خشم انقلابی از طریق بانکها پولهایشان راه خارج منتقل کردند و خودشان فرار را بر قرار ترجیح دادند. اعتصابات سراسری زحمتکش نیز باعث رکود تولید و در نتیجه راکد شدن سرمایه‌های بانکی شد سرمایه‌های بانکی به سرمایه‌های خارجی در دست امپریالیسم نشان نمی‌دادند. از طرفی ارزش دارایی‌های ثابت و وسیله‌های که بانکها در مقابل وامها و اعتبارات اعطایی در اختیار داشتند به شدت کاهش یافت. مجموع این مسائل باعث شده سیستم بانکی در ایران با خطر ورشکستگی روبرو شود. نگاهی به وضعیت بانک‌های "صادرات"، "شهریار" و "صنایع"، "تهران" و "کار" می‌تواند این موضوع را به خوبی نشان دهد. در این مورد ۵۷ تنه‌ها حجم سیرده‌های بانک صادرات نسبت به سال قبل ۶۸ میلیارد ریال (حدود ۲۰٪ کل سیرده‌ها) کاهش یافته و ۵ بانک فوق در مجموع در پایان بهمن ماه مبلغ ۹۹ میلیارد ریال از حجم سیرده‌های خود را از دست دادند. این رقم حدود ۲۰٪ مجموع سیرده‌های آنان می‌شود. پایه عنوان نمونه در پایان اردیبهشت ماه سال جاری به‌کار بانکها دولت ۱۸۴ میلیارد ریال بوده است.

پس از قیام بهمن ماه، دولت بازرگان قدرت را در دست می‌گیرد. دولت با توجه به ماهیت طبقاتی خویش در ابتدای رژیم کوشش از طریق ترمیم نهادهای اقتصادی رژیم سابق به رتق و فتق امور به‌رادرز. در مورد بانکها سعی می‌کند با تزیین پول و اعتبارات، باز خرید اوراق قرضه، فراه آوردن امکان اضافه در این زمان بانکهای خارجی هم به وام دادن به آنها خود داری می‌کند. پس از قیام عده زیادی از امپریالیست‌ها و صاحبان بانکها جرات حاضر شدن در سر کار خود را نداشتند. کارمندان بانکها

نیز حاضر به پذیرش نظم کهنه نبودند. بدین جهت اکثر کارکنان بانکها اقدام به تشکیل سندیکاها و شوراهای اداری کردند و پاره‌ای از این سندیکاها و شوراهای اداره بانکها را در دست گرفتند. به عنوان مثال: پس از فراز هیئت مدیره بانک صنایع، اداره بانک به دست نمایندگان منتخب کارکنان افتاد.

کارکنان بانک پارس مدیرعامل را اخراج کردند و از طریق سندیکا، مدیر عامل جدیدی انتخاب کردند که او را به هیئت مدیره نیز قبولانده بودند.

مدیریت بانک تهران نیز عملیات طریق کمیته‌های مشترک سندیکا و مدیریت زیر نفوذ سندیکا قرار گرفته بود.

دولت برای مقابله با این امر می‌کوشید با صدور بخشنامه‌هایی مبنی بر نفی سندیکاها و شوراهای غیره، کارکنان بانکها را از مشارکت در امور باز دار و همگان بدوران و سرمایه‌داران مفتخور و وابسته سابق را تقویت کند. ولی در اینکار با مقاومت کارکنان روبرو شد.

توده‌های زحمتکش همچنان به بانکها اعتماد نمی‌کردند و مصرا خواستار ملی کردن آنها و مصادره سرمایه‌های داخلی و خارجی که حاصل استثمار چندین ساله آنهاست، بودند. بخشی از هیئت حاکمه نیز صحبت از ملی کردن بانکها می‌کرد.

دولت که نتوانست بود با تلاش‌های مذبوحانه خویش مشکلات بانکداران را حل کند با توجه به مسائل فوق بانکدارانی اعلام کرد و اداره آنها را در دست گرفت.

ولی آیا حقیقتاً بانکها ملی می‌شوند؟ خیر، با توجه به توضیحات زیر، بدینیم که بانکها فقط دولتی شده است. اولاً مسئله مالکیت سهام عمده بانکها از طرف دولت در طرح ملی شدن هیچ وجه روشن نشده و بدون ارائه هیچگونه برنامه‌ای تصمیم گیری در مورد سرمایه‌داران وابسته وعده ای از صاحبان بانکها با اوج گیری مبارزات از ترس خشم انقلابی از طریق بانکها پولهایشان راه خارج منتقل کردند و خودشان فرار را بر قرار ترجیح دادند. اعتصابات سراسری زحمتکش نیز باعث رکود تولید و در نتیجه راکد شدن سرمایه‌های بانکی شد سرمایه‌های بانکی به سرمایه‌های خارجی در دست امپریالیسم نشان نمی‌دادند. از طرفی ارزش دارایی‌های ثابت و وسیله‌های که بانکها در مقابل وامها و اعتبارات اعطایی در اختیار داشتند به شدت کاهش یافت. مجموع این مسائل باعث شده سیستم بانکی در ایران با خطر ورشکستگی روبرو شود. نگاهی به وضعیت بانک‌های "صادرات"، "شهریار" و "صنایع"، "تهران" و "کار" می‌تواند این موضوع را به خوبی نشان دهد. در این مورد ۵۷ تنه‌ها حجم سیرده‌های بانک صادرات نسبت به سال قبل ۶۸ میلیارد ریال (حدود ۲۰٪ کل سیرده‌ها) کاهش یافته و ۵ بانک فوق در مجموع در پایان بهمن ماه مبلغ ۹۹ میلیارد ریال از حجم سیرده‌های خود را از دست دادند. این رقم حدود ۲۰٪ مجموع سیرده‌های آنان می‌شود. پایه عنوان نمونه در پایان اردیبهشت ماه سال جاری به‌کار بانکها دولت ۱۸۴ میلیارد ریال بوده است.

پس از قیام بهمن ماه، دولت بازرگان قدرت را در دست می‌گیرد. دولت با توجه به ماهیت طبقاتی خویش در ابتدای رژیم کوشش از طریق ترمیم نهادهای اقتصادی رژیم سابق به رتق و فتق امور به‌رادرز. در مورد بانکها سعی می‌کند با تزیین پول و اعتبارات، باز خرید اوراق قرضه، فراه آوردن امکان اضافه در این زمان بانکهای خارجی هم به وام دادن به آنها خود داری می‌کند. پس از قیام عده زیادی از امپریالیست‌ها و صاحبان بانکها جرات حاضر شدن در سر کار خود را نداشتند. کارمندان بانکها

نیز حاضر به پذیرش نظم کهنه نبودند. بدین جهت اکثر کارکنان بانکها اقدام به تشکیل سندیکاها و شوراهای اداری کردند و پاره‌ای از این سندیکاها و شوراهای اداره بانکها را در دست گرفتند. به عنوان مثال: پس از فراز هیئت مدیره بانک صنایع، اداره بانک به دست نمایندگان منتخب کارکنان افتاد.

کارکنان بانک پارس مدیرعامل را اخراج کردند و از طریق سندیکا، مدیر عامل جدیدی انتخاب کردند که او را به هیئت مدیره نیز قبولانده بودند.

مدیریت بانک تهران نیز عملیات طریق کمیته‌های مشترک سندیکا و مدیریت زیر نفوذ سندیکا قرار گرفته بود.

دولت برای مقابله با این امر می‌کوشید با صدور بخشنامه‌هایی مبنی بر نفی سندیکاها و شوراهای غیره، کارکنان بانکها را از مشارکت در امور باز دار و همگان بدوران و سرمایه‌داران مفتخور و وابسته سابق را تقویت کند. ولی در اینکار با مقاومت کارکنان روبرو شد.

توده‌های زحمتکش همچنان به بانکها اعتماد نمی‌کردند و مصرا خواستار ملی کردن آنها و مصادره سرمایه‌های داخلی و خارجی که حاصل استثمار چندین ساله آنهاست، بودند. بخشی از هیئت حاکمه نیز صحبت از ملی کردن بانکها می‌کرد.

دولت که نتوانست بود با تلاش‌های مذبوحانه خویش مشکلات بانکداران را حل کند با توجه به مسائل فوق بانکدارانی اعلام کرد و اداره آنها را در دست گرفت.

ولی آیا حقیقتاً بانکها ملی می‌شوند؟ خیر، با توجه به توضیحات زیر، بدینیم که بانکها فقط دولتی شده است. اولاً مسئله مالکیت سهام عمده بانکها از طرف دولت در طرح ملی شدن هیچ وجه روشن نشده و بدون ارائه هیچگونه برنامه‌ای تصمیم گیری در مورد سرمایه‌داران وابسته وعده ای از صاحبان بانکها با اوج گیری مبارزات از ترس خشم انقلابی از طریق بانکها پولهایشان راه خارج منتقل کردند و خودشان فرار را بر قرار ترجیح دادند. اعتصابات سراسری زحمتکش نیز باعث رکود تولید و در نتیجه راکد شدن سرمایه‌های بانکی شد سرمایه‌های بانکی به سرمایه‌های خارجی در دست امپریالیسم نشان نمی‌دادند. از طرفی ارزش دارایی‌های ثابت و وسیله‌های که بانکها در مقابل وامها و اعتبارات اعطایی در اختیار داشتند به شدت کاهش یافت. مجموع این مسائل باعث شده سیستم بانکی در ایران با خطر ورشکستگی روبرو شود. نگاهی به وضعیت بانک‌های "صادرات"، "شهریار" و "صنایع"، "تهران" و "کار" می‌تواند این موضوع را به خوبی نشان دهد. در این مورد ۵۷ تنه‌ها حجم سیرده‌های بانک صادرات نسبت به سال قبل ۶۸ میلیارد ریال (حدود ۲۰٪ کل سیرده‌ها) کاهش یافته و ۵ بانک فوق در مجموع در پایان بهمن ماه مبلغ ۹۹ میلیارد ریال از حجم سیرده‌های خود را از دست دادند. این رقم حدود ۲۰٪ مجموع سیرده‌های آنان می‌شود. پایه عنوان نمونه در پایان اردیبهشت ماه سال جاری به‌کار بانکها دولت ۱۸۴ میلیارد ریال بوده است.

پس از قیام بهمن ماه، دولت بازرگان قدرت را در دست می‌گیرد. دولت با توجه به ماهیت طبقاتی خویش در ابتدای رژیم کوشش از طریق ترمیم نهادهای اقتصادی رژیم سابق به رتق و فتق امور به‌رادرز. در مورد بانکها سعی می‌کند با تزیین پول و اعتبارات، باز خرید اوراق قرضه، فراه آوردن امکان اضافه در این زمان بانکهای خارجی هم به وام دادن به آنها خود داری می‌کند. پس از قیام عده زیادی از امپریالیست‌ها و صاحبان بانکها جرات حاضر شدن در سر کار خود را نداشتند. کارمندان بانکها

نیز حاضر به پذیرش نظم کهنه نبودند. بدین جهت اکثر کارکنان بانکها اقدام به تشکیل سندیکاها و شوراهای اداری کردند و پاره‌ای از این سندیکاها و شوراهای اداره بانکها را در دست گرفتند. به عنوان مثال: پس از فراز هیئت مدیره بانک صنایع، اداره بانک به دست نمایندگان منتخب کارکنان افتاد.

کارکنان بانک پارس مدیرعامل را اخراج کردند و از طریق سندیکا، مدیر عامل جدیدی انتخاب کردند که او را به هیئت مدیره نیز قبولانده بودند.

مدیریت بانک تهران نیز عملیات طریق کمیته‌های مشترک سندیکا و مدیریت زیر نفوذ سندیکا قرار گرفته بود.

دولت برای مقابله با این امر می‌کوشید با صدور بخشنامه‌هایی مبنی بر نفی سندیکاها و شوراهای غیره، کارکنان بانکها را از مشارکت در امور باز دار و همگان بدوران و سرمایه‌داران مفتخور و وابسته سابق را تقویت کند. ولی در اینکار با مقاومت کارکنان روبرو شد.

توده‌های زحمتکش همچنان به بانکها اعتماد نمی‌کردند و مصرا خواستار ملی کردن آنها و مصادره سرمایه‌های داخلی و خارجی که حاصل استثمار چندین ساله آنهاست، بودند. بخشی از هیئت حاکمه نیز صحبت از ملی کردن بانکها می‌کرد.

دولت که نتوانست بود با تلاش‌های مذبوحانه خویش مشکلات بانکداران را حل کند با توجه به مسائل فوق بانکدارانی اعلام کرد و اداره آنها را در دست گرفت.

ولی آیا حقیقتاً بانکها ملی می‌شوند؟ خیر، با توجه به توضیحات زیر، بدینیم که بانکها فقط دولتی شده است. اولاً مسئله مالکیت سهام عمده بانکها از طرف دولت در طرح ملی شدن هیچ وجه روشن نشده و بدون ارائه هیچگونه برنامه‌ای تصمیم گیری در مورد سرمایه‌داران وابسته وعده ای از صاحبان بانکها با اوج گیری مبارزات از ترس خشم انقلابی از طریق بانکها پولهایشان راه خارج منتقل کردند و خودشان فرار را بر قرار ترجیح دادند. اعتصابات سراسری زحمتکش نیز باعث رکود تولید و در نتیجه راکد شدن سرمایه‌های بانکی شد سرمایه‌های بانکی به سرمایه‌های خارجی در دست امپریالیسم نشان نمی‌دادند. از طرفی ارزش دارایی‌های ثابت و وسیله‌های که بانکها در مقابل وامها و اعتبارات اعطایی در اختیار داشتند به شدت کاهش یافت. مجموع این مسائل باعث شده سیستم بانکی در ایران با خطر ورشکستگی روبرو شود. نگاهی به وضعیت بانک‌های "صادرات"، "شهریار" و "صنایع"، "تهران" و "کار" می‌تواند این موضوع را به خوبی نشان دهد. در این مورد ۵۷ تنه‌ها حجم سیرده‌های بانک صادرات نسبت به سال قبل ۶۸ میلیارد ریال (حدود ۲۰٪ کل سیرده‌ها) کاهش یافته و ۵ بانک فوق در مجموع در پایان بهمن ماه مبلغ ۹۹ میلیارد ریال از حجم سیرده‌های خود را از دست دادند. این رقم حدود ۲۰٪ مجموع سیرده‌های آنان می‌شود. پایه عنوان نمونه در پایان اردیبهشت ماه سال جاری به‌کار بانکها دولت ۱۸۴ میلیارد ریال بوده است.

پس از قیام بهمن ماه، دولت بازرگان قدرت را در دست می‌گیرد. دولت با توجه به ماهیت طبقاتی خویش در ابتدای رژیم کوشش از طریق ترمیم نهادهای اقتصادی رژیم سابق به رتق و فتق امور به‌رادرز. در مورد بانکها سعی می‌کند با تزیین پول و اعتبارات، باز خرید اوراق قرضه، فراه آوردن امکان اضافه در این زمان بانکهای خارجی هم به وام دادن به آنها خود داری می‌کند. پس از قیام عده زیادی از امپریالیست‌ها و صاحبان بانکها جرات حاضر شدن در سر کار خود را نداشتند. کارمندان بانکها

کارگران نقاش سندیکای قلبی و افشامی‌کنند

انتخاباتی را که بایستی صورت می‌گرفت نشان می‌دهد. فردای آن روز که کارگران در خانه کارگر جمع شدند تا نمایندگان خود را انتخاب کنند، همه چیز از پیش روشن بود. قبلاً قرار شده بود که هر با تسبیق نماینده خود را انتخاب کند، اما بر طبق طرحی که از پیش ریخته شده بود - پیمانکاران و عوامل آنها با کمک کمیته که افراد آن خود را به عنوان کارگر در هیئت نظارت جا زده بودند، کوشیدند که انتخابات را به نفع خود تمام کنند.

یکی از عناصر ضد کارگری به نام اکبر پور سعی می‌کرد که با توسل به خدعه و کلک کسانی را سرکار بیورد که از قبیل تعیین شده بودند. او عده‌ای را بخصوص "از قره باغ" آورده و به آنها پول داده بود تا به نمایندگانی رای بدهند که در نظر او بودند. یکی از کارگران می‌گفت "امروز داشتم کاری کردم که ۵۰ تومان اضافی به من دادند، پیام خانه کارگری بدیم". وقتی که انسان این شیوه انتخابات را می‌بیند به یاد انتخابات رژیم سابق می‌افتد که چگونه از همین شیوه‌ها استفاده می‌کرد. حتی در پیش اوراق انتخاباتی و صندوق رای گیری نیز کارگران به نحوه رای گیری و انتخابات هیچگونه توجهی نداشتند. در همین رابطه تنی چند از کارگران را نیز تنگ زدند و همه این اقدامات با تأیید کمیته و وزارت کار صورت گرفت. به محال نحسوه انتخابات آنچنان آشکارا ساختگی و قلبی بود که حتی نماینده وزارت کار نیز هنگام ترک خانه کارگر رای گیری را باطل اعلام می‌کند. ولی افراد کمیته و پیمانکاران می‌گویند وزارت کار خود ما هستیم.

بالاخره با یک چنین انتخابات قلبی و شارلاتان بازی اکبر پور ۱۲ نفر از ۱۳ نفر کاندیداهای مورد نظر کارفرمایان انتخاب می‌شوند. اما عده‌ای از کارگران آگاه این انتخابات قلبی را غیر قابل قبول و مردود اعلام می‌کنند. آنها روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۰ دوباره در خانه کارگر گردمی آیند و خواهان تجدید انتخابات می‌شوند. ولی نماینده وزارت کار حرف قلبی خود را که انتخابات را باطل اعلام کرده بود پس می‌گیرد و چنین توضیح می‌دهد:

"من چون ناراحت بودم گفتم این انتخابات درست نیست. بعدها فکر کردم که وقتی اکثریت به نمایندگانی خودشان رای دادند دیگر انتخابات حتماً درست است... و این گفتار به خوبی نحوه ساخت و پاخت و ما و ماهیت وزارت کار را نشان می‌دهد."

کارگران آگاه و پیشانی نقاش در این نوشته خطاب به رفقای کارگر چنین می‌نویسند:

"برادران کارگر! حوادث روزهای شنبه و پنجشنبه یکبار دیگر به ما نشان داد که پیمانکاران نمی‌گذارند و می‌ترسند که ما کارگران دورهم جمع شویم. کمیته امام نیز جانب آنها را می‌گیرد. مناز از انتخابات قلبی و سندیکای قلبی - خطرات تلخ زیادی داریم. چاره‌اندازی دادن حدود هفتاد هزار کشته و عمده زیادی زخمی بخاطر بدست آوردن زادی بافحش و کتک در اجتماعات کارگری از ما کارگران استقبال می‌شود؟ آیا این کارها یاد آور زورگویی سرمایه داران وابسته و نوکران آنها نیست؟

اما ما کارگران این بار دیگر از سرمایه‌داری و نوکری نشسته و ضمن تأکید بر اینکه این انتخابات از نظر ما کاملاً قلبی بوده است خواهان یک انتخابات مجدد و واقعی هستیم."

کارگران مبارز میهن ما اکنون دیگر قبول نمی‌کنند که مانند گذشته سندیکای های قلبی و فرمایشی به آنها تحمیل شود. سندیکاهایی که از بالا تحت نفوذ سرمایه‌داران، پیمانکاران و مداخله دولت به وجود آمده به هیچوجه مورد قبول کارگران نیست. زیرا که این سندیکاهای منافق کارگران دفاع نخواهند کرد. بالعکس آن سندیکایی مورد قبول و تأیید کارگران است و از منافع آنها دفاع خواهد کرد که توسط خود آنها یعنی از پائین بدون مداخله دولت و سرمایه‌داران ایجاد شود.

در خرداد ماه امسال جزوه‌ای تحت عنوان "سندیکا چیست و چگونه پیمانکاران و افراد ضد کارگر در سندیکای نقاشان انتخابات قلبی راه انداخته‌اند و چطور با آنها مبارزه کنیم" توسط کارگران نقاش پيشتار منتشر شده است.

از آنجا که در این نوشته تفرقه اندازی و نفاق افکنی کارفرمایان در میان کارگران، دخالت‌های بی جای کمیته‌ها در امور کارگری، و ماهیت وزارت کار که همیشه جانب سرمایه‌داران را گرفته است، افشا شده است. ما به انتشار قسمتی از آن می‌پردازیم و مطمئن داریم که آگاهی از آن برای تمام کارگران میهن ما مؤثر خواهد بود. در این نوشته کارگران نقاش نشان می‌دهند که چگونه کارفرمایان، پیمانکاران و جیره خواران حامیان آنها به طرق مختلف می‌کوشند در میان کارگران اختلاف بیندازند، کارگران را راه مسلمان و غیر مسلمان، مسیحی و مسلمان... تقسیم کنند، تا بتوانند مدتی دیگر به استثمار و بهره‌کشی ادامه دهند و موافق بر سر راه اتحاد و تشکل کارگران به وجود آورند.

امروز عمده ترین شیوه‌ای که دشمنان طبقه کارگر به کار می‌گیرند، تا بار دیگر همانند رژیم ضد کارگری گذشته تسلط بی چون و چرای خود را تا مین کنند، سوء استفاده از اختلافات عقیدتی و دامن زدن به اختلافات مذهبی در میان کارگران است. اما از آنجا که کارگران دارای هر عقیده و هر مذهبی که باشند توسط سرمایه‌داران استثمار می‌شوند و منافعی مشترک آنها اتحاد آنها را ضروری می‌کند. سرانجام این حربه‌ها نیز افشا خواهد شد. باشد که رشد آگاهی و تجربه سرمایه‌داری کارگران همه این دسیسه‌ها را نقش بر آب کند و طبقه کارگر متحد و متشکل میهن ما در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری که جز استثمار، فقر و مستم برای کارگران نتیجه‌ای ندارد، پیش‌تازد.

کارگران نقاش پيشتار در این نوشته خود ابتدا اشاره می‌کنند که سندیکا تا مین کننده منافع کارگران است، و همکاران یک صنف یا حرفه صرف نظر از تفاوت صنف، جنس، مذهب، عقیده و نژاد می‌توانند برای تأمین منافع صنفی و حرفه‌ای خود در سندیکا متشکل شوند و از حقوق خود دفاع کنند. سپس به بررسی شیوه‌های مزورانه و تفرقه افکنانه کارفرمایان می‌پردازند و چنین می‌نویسند:

"اما کارفرما چه کاری کند؟ کارفرما از کارگر مذهبی و غیر مذهبی به یک اندازه سود می‌برد. آنچه برای او مهم است نیروی کار آنهاست. او... توسط عواملش سعی می‌کند از به وجود آمدن تشکلات واقعی کارگری جلوگیری کند و یا در تشکلات آنها نفوذ کند تا افکار کارگران را تا آنجایی که می‌تواند از مبارزه بر علیه خود منحرف کند و به مبارزه بر علیه خودشان بکشد. به این دلیل است که موضوع مذهبی، غیر مذهبی، رایجی می‌کنند تا بین ما اختلاف بیندازد."

و سپس چنین ادامه می‌دهد: "برادران کارگر! همان نظری که می‌بینیم سندیکای مایک تشکلات کارگری است. آنچه در سندیکا باعث ایجاد اتحاد می‌شود منافع اقتصادی - اجتماعی مشترک مایه‌ها باشد. ما نباید یکدیگر را در سندیکا بخاطر داشتن افکار مختلف دشنام بدهیم و با هم مخالفت کنیم. بخاطر اینکه این کار پیمانکاران و سرمایه‌داران را خوشحال می‌کند و باعث می‌شود که آنها بتوانند از این تفرقه به نفع خود استفاده کنند. پس بگوئیم تا این اختلافات را کنار گذاشته و یک سندیکای واقعی را به وجود بیاوریم."

حال ببینیم آیا انتخابات سندیکای ما در روز شنبه ۵۸/۳/۱۰ درست بود یا سندیکای ما با این انتخابات یک سندیکای قلبی می‌باشد؟ قبلاً باید بگوئیم که در روز جمعه (یک روز قبل از انتخابات) با توطئه عده‌ای پیمانکاران و مداخله حزب جمهوری اسلامی انتخابات سندیکای نقاشان انجام شده بود. یکی از این پیمانکاران نیز به نام اکبر پور... به کارگران گفته بود: اینها نمایندگان شما هستند، به اینها رای بدهید. نمایندگان که در خانه کارگر قرار است انتخاب شوند "کمونیست هستند".

این شیوه‌ها به خوبی ما میهن ما را متحد و متشکل می‌کند و طبقه کارگر متحد و متشکل میهن ما در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری که جز استثمار، فقر و مستم برای کارگران نتیجه‌ای ندارد، پیش‌تازد.

کارگران نقاش پيشتار در این نوشته خود ابتدا اشاره می‌کنند که سندیکا تا مین کننده منافع کارگران است، و همکاران یک صنف یا حرفه صرف نظر از تفاوت صنف، جنس، مذهب، عقیده و نژاد می‌توانند برای تأمین منافع صنفی و حرفه‌ای خود در سندیکا متشکل شوند و از حقوق خود دفاع کنند. سپس به بررسی شیوه‌های مزورانه و تفرقه افکنانه کارفرمایان می‌پردازند و چنین می‌نویسند:

"اما کارفرما چه کاری کند؟ کارفرما از کارگر مذهبی و غیر مذهبی به یک اندازه سود می‌برد. آنچه برای او مهم است نیروی کار آنهاست. او... توسط عواملش سعی می‌کند از به وجود آمدن تشکلات واقعی کارگری جلوگیری کند و یا در تشکلات آنها نفوذ کند تا افکار کارگران را تا آنجایی که می‌تواند از مبارزه بر علیه خود منحرف کند و به مبارزه بر علیه خودشان بکشد. به این دلیل است که موضوع مذهبی، غیر مذهبی، رایجی می‌کنند تا بین ما اختلاف بیندازد."

و سپس چنین ادامه می‌دهد: "برادران کارگر! همان نظری که می‌بینیم سندیکای مایک تشکلات کارگری است. آنچه در سندیکا باعث ایجاد اتحاد می‌شود منافع اقتصادی - اجتماعی مشترک مایه‌ها باشد. ما نباید یکدیگر را در سندیکا بخاطر داشتن افکار مختلف دشنام بدهیم و با هم مخالفت کنیم. بخاطر اینکه این کار پیمانکاران و سرمایه‌داران را خوشحال می‌کند و باعث می‌شود که آنها بتوانند از این تفرقه به نفع خود استفاده کنند. پس بگوئیم تا این اختلافات را کنار گذاشته و یک سندیکای واقعی را به وجود بیاوریم."

حال ببینیم آیا انتخابات سندیکای ما در روز شنبه ۵۸/۳/۱۰ درست بود یا سندیکای ما با این انتخابات یک سندیکای قلبی می‌باشد؟ قبلاً باید بگوئیم که در روز جمعه (یک روز قبل از انتخابات) با توطئه عده‌ای پیمانکاران و مداخله حزب جمهوری اسلامی انتخابات سندیکای نقاشان انجام شده بود. یکی از این پیمانکاران نیز به نام اکبر پور... به کارگران گفته بود: اینها نمایندگان شما هستند، به اینها رای بدهید. نمایندگان که در خانه کارگر قرار است انتخاب شوند "کمونیست هستند".

این شیوه‌ها به خوبی ما میهن ما را متحد و متشکل می‌کند و طبقه کارگر متحد و متشکل میهن ما در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری که جز استثمار، فقر و مستم برای کارگران نتیجه‌ای ندارد، پیش‌تازد.

کارگران نقاش پيشتار در این نوشته خود ابتدا اشاره می‌کنند که سندیکا تا مین کننده منافع کارگران است، و همکاران یک صنف یا حرفه صرف نظر از تفاوت صنف، جنس، مذهب، عقیده و نژاد می‌توانند برای تأمین منافع صنفی و حرفه‌ای خود در سندیکا متشکل شوند و از حقوق خود دفاع کنند. سپس به بررسی شیوه‌های مزورانه و تفرقه افکنانه کارفرمایان می‌پردازند و چنین می‌نویسند:

"اما کارفرما چه کاری کند؟ کارفرما از کارگر مذهبی و غیر مذهبی به یک اندازه سود می‌برد. آنچه برای او مهم است نیروی کار آنهاست. او... توسط عواملش سعی می‌کند از به وجود آمدن تشکلات واقعی کارگری جلوگیری کند و یا در تشکلات آنها نفوذ کند تا افکار کارگران را تا آنجایی که می‌تواند از مبارزه بر علیه خود منحرف کند و به مبارزه بر علیه خودشان بکشد. به این دلیل است که موضوع مذهبی، غیر مذهبی، رایجی می‌کنند تا بین ما اختلاف بیندازد."

و سپس چنین ادامه می‌دهد: "برادران کارگر! همان نظری که می‌بینیم سندیکای مایک تشکلات کارگری است. آنچه در سندیکا باعث ایجاد اتحاد می‌شود منافع اقتصادی - اجتماعی مشترک مایه‌ها باشد. ما نباید یکدیگر را در سندیکا بخاطر داشتن افکار مختلف دشنام بدهیم و با هم مخالفت کنیم. بخاطر اینکه این کار پیمانکاران و سرمایه‌داران را خوشحال می‌کند و باعث می‌شود که آنها بتوانند از این تفرقه به نفع خود استفاده کنند. پس بگوئیم تا این اختلافات را کنار گذاشته و یک سندیکای واقعی را به وجود بیاوریم."

حال ببینیم آیا انتخابات سندیکای ما در روز شنبه ۵۸/۳/۱۰ درست بود یا سندیکای ما با این انتخابات یک سندیکای قلبی می‌باشد؟ قبلاً باید بگوئیم که در روز جمعه (یک روز قبل از انتخابات) با توطئه عده‌ای پیمانکاران و مداخله حزب جمهوری اسلامی انتخابات سندیکای نقاشان انجام شده بود. یکی از این پیمانکاران نیز به نام اکبر پور... به کارگران گفته بود: اینها نمایندگان شما هستند، به اینها رای بدهید. نمایندگان که در خانه کارگر قرار است انتخاب شوند "کمونیست هستند".

این شیوه‌ها به خوبی ما میهن ما را متحد و متشکل می‌کند و طبقه کارگر متحد و متشکل میهن ما در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری که جز استثمار، فقر و مستم برای کارگران نتیجه‌ای ندارد، پیش‌تازد.

● دولت با سوء استفاده از اعتماد توده‌ها به بخشی از هیئت حاکمه و کاربرد قدرت متمرکز خویش می‌کوشد با دولتی کردن بانکها سرمایه‌داری وابسته از هم پاشیده راسامان دهد.

عمده و مدیران بانکها را کسانی تشکیل می‌دهند که خود از صاحبان صنایع وابسته هستند.

بطور مثال: حاجی برخوردار که عضو هیئت مدیره بانکهای ایران، ایران و خاورمیانه و توسعه صنعتی و معدنی است خود صاحب صنایع پارس الکتریک نیز است... با لاجوردی با عضو هیئت مدیره بانکهای بین المللی ایران و ژاپن، توسعه سرمایه‌گذاری ایران و صاحب ۴۳ موسسه اقتصادی ایران هستند. بدین ترتیب رابطه متقابل صنایع و بانکها نشان می‌دهد که سرمایه داری بدون سیستم بانکی قادر به ادامه حیات نیست. توجه داشته باشیم که سرمایه گذاری بانکها نامحدود بوده است و بعنوان مثال در پایان سال ۵۶ بانکهای خصوصی ۱/۵ برابر سرمایه خود، سرمایه گذاری کرده بودند.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع و غیره، باید تمامی این رشته‌ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می‌کند. انقلابی است که ملی کردن را مصادره امور و کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی و همه سرمایه‌های خارجی همراه خواهد کرد و از طریق شوراها و به دست قدرتمند توده‌ها خواهد سپرد.

حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

کارگران دخیانبات

بقیه از صفحه ۱

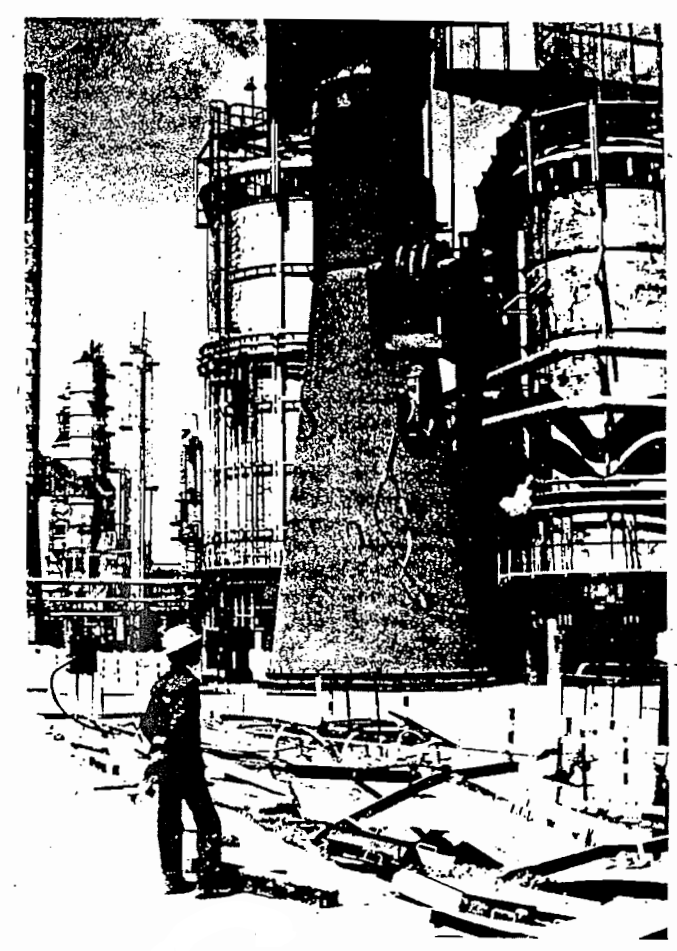
دولت تولیدات داخلی را...

کروهی از کارگران دخیانبات نامه‌ای برای مازسال داشته اند و ضمن آن دولت را مورد سؤال قرار داده اند که چرا با گشودن زهای ایران بر روی سیکارهای خارجی ... حیب سرمایه داران استعمارگر را برمی نماند؟ چنانچه گذارید به جای اینکه این همه سیکار خارجی را بخریم از کشورهای امپریالیستی وارد کردیم کارخانه‌های داخلی به کار افتادند تا هم کارگران زحمتکش دخیانبات بیکار نشوند و هم دهقانان توتون کار ایرانی از ورشکستگی نجات پیدا کنند؟ آیا این بدان مفهوم نیست که هنوز دستهای استعمار از کشور ما کوتاه نشده است؟

این سؤال و دیگر سئوالاتی از این قبیل، مسئله ای است که عمده اکثریت مردم مابان روبرو هستند. واقعا چرا با وجود این همه امکانات که دولت برای تهیه سیکار داخلی در اختیار دارد، از تولید آن خودداری می کند؟ کارگران و زحمتکشان ما چگونه می توانند با وجود این همه بیکاری و درآمد ناچیزی که دارند بستانند؟ ۶۰۰ ریال ول سیکار بپردازند؟ رژیم پیشین که به خاطر حمایت از محصولات امپریالیستی اقتصاد کشاورزی و صنعتی کشور را ورشکسته کرده بود و چوکی رشد مرغوبیت تولیدات داخلی را می گرفت تا بازار خوبی برای اربابان ایجاد کند، دخیانبات نیز از این قانون مستثنی نبود. آیا ادامه همان سیاستهای اقتصادی و گاهی بدتر از آن، قطع تولیدات داخلی برای کارگران با این اجهاد نی کند که باید دولت کنونی را از آنچه هست و نشان می دهد بهتر بشناسند؟ در اینجا ما نامه گروهی از کارگران دخیانبات را چاپ کرده و قضاوت را به مردم ایران واگذار می کنیم.

کارگران می گویند: اگر دولت نمی خواهد با دامن زدن تفرقه و جدائی بین کارگرانی که بر طبق ساعت مزد دریافت می کنند مسئله ۴۰ و ۴۰ ساعت کار در هفته را که خواست اکثر کارگران است لاینحل بگذارد، چرا با کم کردن ساعت کار دخیانبات از ۱۲ ساعت در روز و ۸۰ ساعت همان حقوق سابق را به کارگران بدهد و برای جبران کمبود تولید کارگرانی جدید برای شیفت (نوبت) بعد استخدام کند؟ تا نه به اقتصاد کشور لطمه ای وارد شود و نه زندگی کارگران محتل شود. آیا کسی

زاین بقیای اقتصاد مملکت هست؟ اگر هست این چه دستهایی است که نابودی چرخهای اقتصادی کارگران شرکت دخیانبات ایران - و همچنین متجاوزان از ۲۰ هزار نفر کارگر کارخانه و زارع توتونکار و خانواده آنها فراهم می آورد؟ آیا کارخانه ای که در زمان طاغوت با تمام زد و بندها بعد از صنعت نفت دومین رقم بودجه انتفاعی مملکت بود چطور شد که امروز می گویند دخیانبات ضروری کند؟ این چه کسی است که با گشودن مرزهای ایران به روی سیکارهای خارجی بازار را از این سیکارها انباشته کرده و چرخهای اقتصادی سیکارهای کارخانجات دخیانبات بعد از انقلاب آمادگی کارگران دخیانبات ایران را از کار بازمی دارد؟ ما خود را جهت ساخت و تحویل هر نوع سیکار مرغوب برای مصرف کننده اعلام داشتیم. گماینکه محصول این کارخانه از چهل میلیون به شصت و چند میلیون رساندیم، بدون توقع دیناری، اگر مسئولین امر مدعی هستند که ما توتون نداریم چرا به جای سیکار توتون وارد نمی کنند؟ که دست زارع توتون کار و کارگر دخیانبات را بیکار نیندازند؟ بگذارند لااقل کارخانه تولید نماید تا هم کارگر سیکار تولید کند و هم زارع توتونکار سد جوع نماید. چه شده است به جای اینکه تقییری از کارگران زحمتکش این کارخانه در مقابل فعالیتهای مداوم آنها به عمل آید بخشنامه ای از طرف مکاره وزارت صنایع و معادن صادر و بلافاصله بی گردد که ساعت کار کارگران تقلیل یافته و یک سوم مزد آنها که از اموال مزی تامین می گردد کاهش یابد. چه شده است که وزارت کار هم در مورد کارخانجات دخیانبات سکوت می کند؟ مگر غیر از این است که با گشودن مرزها وسیله فرآوردهای خارجی به بازار ایران حیب سرمایه داران استعمارگر را برمی می نمایند؟ و کارگر و زارع را دلسرد و ناراضی به با می آورد؟ چرا به فکر این نیستید که هنوز هم سیکار ایرانی گران و کمیاب است. ماکارگران دخیانبات به دولت هشدار می دهیم هنوز هم دستهای استعمار کوتاه نشد و ما به حکم وجدان انقلابی خود از هیچگونه انتقاد و مبارزه کوتاهی نخواهیم کرد.



بقیه از صفحه ۱

مردم مبارز ایران با شرکت در راهپیمایی روز شنبه

خاطره قیام ضد امپریالیستی ...

خونین آنها برخلاف خواست رهبران سازشکار جنبه ملی بود که مردم را به آرامش و نشستن در خانه دعوت کرده بودند از طرف دیگر زمینه های منفی که بر خورد های انحرافی حزب توده نسبت به مصدق در گذشته بوجود آورده بود و اینکه برنامه های مصدق را تخطئه کرده و اینکه برنامه راه امپریالیسم امریکا نسبت می داد، همه اینها موجب شد که بهیچ افراد بطور کامل اجرا نشود. ولی با این همه عده زیادی از توده های حزبی در تظاهرات شرکت کردند و شعارهای ضد شاه و ضد درباری را به مردم برسانند. سی ام تیر ضامنایان جهت حراست اهمیت است که حزب توده از سی ام تیر به بعد تا ۲۸ مرداد از "چپ روی" نسبت به مصدق به راست روی و دنباله روی از مصدق افتاد. اگر حرکت اول موجب تفرقه نیروها و اخلاص در صف واحد خلق علیه امپریالیسم و دربار پهلوی می شد، حرکت بعدی از ۳۰ تیر تمام رزمندگی و قاطعیت نیروهای چپ را در مقابل ارتجاع امپریالیسم خشن کرد.

حزب توده به جای مقابله فعال با ارتجاع به خشم آمده و زخم خورده، یعنی تدارک نیروهای سازمان یافته نظامی (و نیمه نظامی) علیه این ارتجاع امپریالیستی حامی آنها به امتداد از جنبه های محافظه کارانه مصدق اکتفا کرد. رهبری حزب توده که مصدق را به محافظه کاری و عدم قاطعیت در مقابل ضد انقلاب متهم می کرد خود نیز هیچ کاری جز دنباله روی از توده های بیگانه که رهبری حزب توده را در بر گرفته بود در صفوف حزب توده ریشه های جدی داشت موجب گشت که این حزب از موضع سکتاریستی "چپ" به موضع دنباله روی و بی عملی صرف بيفتد. نتیجه این سیاست آن شد که در ۲۸ مرداد با تمام امکانات و وسع و نیروهای آماده سیاسی و نظامی حزب توده کوچکترین کاری نکرد. کاری که امروز هم باقی مانده های رهبری سی سال پیش در برخورد با قدرت حاکم اعمال می کنند. آنها به دنباله روی چون و چرا از خورده بورژوازی پرداخته اند و به زیر پرچم آنها خزیده اند.

چهره بارز دیگر قیام ۳۰ تیر آن بود که مردم برای اولین بار مستقیماً در مقابل دربار و شاه قرار گرفتند و شعارهای "مرگ بر شاه"، "مرگ بر دربار" می دادند. آنها به این واقعت رسیدند که تا وقتی که دربار وجود دارد امریکا و انگلیس احتیاج به سفارت ندارند. برجستگی دیگر قیام سی ام تیر همیستی مبارزان و افسران سپه پرست با مردم بود.

قاطعیت خلق در مقابل ضد خلق و عوامل امپریالیسم در ایران موجب گشت که صف بندی بین خلق و دشمنان او و سازشکاران سرعانتام پدید و عناصر خائنی چون دکتر بقائی، مکی و کاشانی خیانت خویش را به خلق آشکار کنند و به صف دشمنان خلق بپیوندند. قیام شکوهمندی سی ام تیر ۱۳۳۱ نقطه عطفی بود در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران. مردم ایران خاطره این روزها عظمت را چون روزهای ۱۵ خرداد ۱۷ شهریور، ۱۹ بهمن و ۲۱ بهمن هیچگاه فراموش نخواهند کرد و آن را پیوسته گرامی خواهند داشت.

درد و افتخار بر شهدای قهرمان سی ام تیر و همه شهدای به خون خفته خلق مستحکم باد اتحاد تمام نیروهای انقلابی خلق های ایران نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

دروزی سی تیر کارخانه ها دانشگاهها، مدارس، بازار، کسبه و نااندازه های ادارات به حال تعطیل درآمدند. پس از یکی دو ساعت رانندگان اتوبوس ها و تاکسی ها هم دست از کار کشیدند و شهر تهران بیکارچه به حال اعتصاب درآمد. تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار، بوذرجمهری، ناصر خسرو و سیروس، خیابان، پاناروبرق شروع شد و به طرف توپخانه و اکباتان پیش رفت. نیروهای ارتش ابتدا با یورش های سر نیزه و سپس با شلیک تیروبه کار بر دن تنگ و مسلح با جمعیتی که بسوی مجلس شورای ملی آمد مقابل می کرد تا سرانجام در میدان توپخانه (سپه) بهارستان و خیابان اکباتان، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخورد عده زیادی کشته و مجروح شدند. بهارستانها مخصوص بهارستان سینا معلول از زخمی شده بود. جنازه ها بر سر دست های مردم در جلوجمعیت تظاهر کننده حرکت داده می شد و مردم از پس آن شعار می دادند. مقارن ظهر شور و هیجان مردم به اوج خود رسید. نظیر چنین تظاهراتی در شهرهای دیگر ایران نیز برپا شده بود. اخبار تظاهرات و قیام مردم مرتباً به دربار و قوام می رسید. برادر شاه، شاهپور علیرضا به خیابان آمده بود و شایم بود که در چهار راه آب سردار (خیابان زاله) شصت و شصت مردم شلیک می کرد. مستشاران نظامی امریکا که از آن موقع در ارتش بودند، خطر تیراندازی و سرپیچی را خاطر نشان ساختند. این واقعتی بود که افسران ارتش در چند نقطه تهران از تیراندازی به مردم خودداری کردند و به مردم پیوستند. از جمله در خیابان شاه آباد نزدیک میدان مخابرات لاله نرسی از داخل تانک بیرون آمد. اعلام کرد:

تیراندازی هم مردم از این افسر شریف خلقی به شدت استقبال کردند. سفیر امریکا از قیام مردم بهراس افتاد و به دربار اعلام خطر کرد.

خطر گسترش مبارزات مردم و پایداری ارتش و سرنگونی رژیم سلطنتی را گوشزد کرد. نکته برجسته در این تظاهرات، رزمندگی مردم در مقابل تانکها و مسلح ها و نیز دادن شعارهای ضد درباری و ضد شاه از جانب آنان بود. عناصر دست راستی جنبه ملی پادان شعارهای ضد درباری مخالفت می کردند. اینها طرفداران آیت اله کاشانی و بقائی نظیر شمس قنات آبادی و شعبان بی مح بودند که هنوز در صفوف جنبه ملی باقی بودند. نیروهای چپ بر عکسش وی. شعارهای ضد شاه اصرار می کردند.

در بعد از ظهر رزمه هایی شنیده می شد که مردم قصد حمله به کاخ شاه را دارند. مردم قبلاً مجسمه شاه در پارک شهر را که هنوز برده برداری نشده بود به آتش کشید و تانکها پائین کشیدند. سرانجام با شهادت هفتاد و چند نفر (که در این باب به خاک سپرده شدند) رصدها زخمی در تهران، در ساعت سه بعد از ظهر سی تیر در بارو امپریالیسم وحشت زده عقب نشستند و بازگشت مصدق را پذیرفتند.

این بار مصدق و نیروهای توده ها به نخست وزیری رسید. بدین ترتیب مردم ایران در برتو اتحاد، وحدت عمل در میدان مبارزه تحریک قابل توجه. در مقابل بادشمن، رزمندگی و از خود گذشتگی به پیروزی بزرگی نائل شدند و یک روز افتخار آمیز در تاریخ مبارزات مردم ایران به ثبت رسید. آنچه قیام سی ام تیر برجسته بی سازد آن است که مردم ایران، یعنی کارگران، زحمتکش، دانشجویان، دهقانان، دانش آموزان، بازاریبان، کسبه، کارمندان، همه و همه مردم از خرد و کلان، زن و مرد و وحدت و یکپارچگی خود را در میدان مبارزه در کوچه و خیابان تحقق بخشیدند. ندر اطلاق های در بسته و پشت میزهای مذاکره. این قیام مردم و برخورد ها و درگیری های

داخلی بود. نیروهای انقلابی خلق، کارگران، دانشجویان، دانش آموزان، بازاریبان، کسبه، دهقانان، پیشه وران و غیره اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی دست در دست هم علیه دشمن مشترک قیام کردند. جانبازی ها کردند، به شهادت رسیدند و بالاخره دشمن خلق یعنی دربار و امپریالیست ها و ادارت به عقب نشینی کردند.

سی ام تیر چرا و چگونه وجود آمد؟ در خرداد ماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق که پس از ملی شدن نفت به نخست وزیری رسیده بود به لاهه رفت تا در دادگاه بین المللی لاهه از حقوق مردم ایران در زمینه ملی کردن نفت، دفاع کند. پس از شرکت در دادگاه و قبل از صدور رای، مصدق به ایران بازگشت و بر سر تعیین پست وزارت جنگ با شاه اختلاف آشکاری پیدا کرد. انتخاب وزیر جنگ و فرماندهان شهرانی و ژاندارمری برخلاف قانون اساسی در اختیار شاه قرار گرفته بود. به همین دلیل نیروهای نظامی از دولت بیرونی نمی کردند و این امر جوادتی را به وجود می آورد که از کنترل مصدق خارج بود و در نتیجه وضع او را کنترل می ساخت. مصدق می خواست از موقعیت دادگاه لاهه که افکار عمومی را بشدت علیه امپریالیسم انگلستان و عوامل داخلی اش تحریک کرده بود استفاده کند. پست وزارت جنگ را مثل سایر پست های کابینه در اختیار دولت قرار دهد. ضمناً برای کنترل ارتش و نیروهای مسلح و تصفیه این نیروها می بایست قبلاً اختیارات غیر قانونی شان در این زمینه سلب شود و این اختیارات توسط مجلس به نخست وزیر سپرده شود. به همین دلیل در ۲۴ تیرماه مصدق شاه را تهدید کرد که اگر این اختیارات به او داده نشود از نخست وزیری استعفا خواهد داد.

شاه و مرتجعین که قبلاً آماده توطئه شده بودند، درست در آستانه صدور رای دادگاه لاهه وارد مصل شدند. شاه بلافاصله استعفا مصدق را قبول کرد و قوام السلطنه را که در نوکری اش نسبت به امپریالیسم هیچکس شکی نداشت به نخست وزیری برگزید. این عامل امپریالیسم که خیانت های در سال ۱۳۲۵ و کشتار خلق های آذربایجان و کردستان در خاطره های زنده بود، پس از روی کار آمدن طوسی اعلامیه دشمنی خود را با مردم مبارز ایران اعلام کرد. این اعلامیه معروف قوام (که با این جملات شروع می شد: گشتیبان راسیاستی دگر آمد. و "دوره عصیان سیری شد") عملاً مردم را به

مقابل با او برانگیخت. از همان روزهای اول استعفا مصدق را بهر بگویم برکناری او از جانب شاه و نیروهای چپی و ملی که تا روزهای قبل به علت سیاست غلط رهبری حزب توده در مقابل هم فرار گرفته بودند به تدریج شدند و در خیابانهای مرکزی شهرها به همکاری ها و تظاهرات مشترک اقدام می کردند. فراگسبون جنبه ملی در مجلس آیت اله کاشانی که در آن موقع فرد دوام جنبه ملی بود، از بازار سیار دعوت کردند بازار را روزی تیر تعطیل کنند ولی نتیجه ملی ونه آیت اله کاشانی هیچکدام مردم را به تظاهرات دعوت نکردند. در روز ۲۸ تیرماه جمعیت مبارزه با استعمار که ارجمیت کارگران و روشنفکران و نیروهای چپ برخوردار بود اعتصاب سی تیر را تأیید کرد و مردم را به تظاهرات دعوت کرد. روز ۲۹ تیر دولت قوام به امید آنکه مردم تنها به اعتصاب اکتفا کنند و در خانه ها بمانند حاضر شد اعلامیه جنبه ملی از راهپیمایی خوانده شود و یکی از رهبران جنبه ملی (سیدس حبیبی) اعلامیه را خواند.

تا این اعلامیه از مردم دعوت شده بود به سرکارهای خود تیر و دولتی در خانه ها بمانند. اما علیرغم خواست رهبری توده های مردم اعلامیه را باور نکردند و آن را نپذیرفتند.

کار، مسکن، آزادی

کار، مسکن، آزادی

جشن گندم بر زحمتکشان ترکمن صحرا مبارک باد

بدعت شورای دهقانی روستای کنگور از توابع کلاله (آی درویش) جهت برگزاری جشن گندم که یکی از سنن قدیم خلق ترکمن پس از برداشت محصول است - مراسم به همین مناسبت در روز جمعه ۱۶ تیرماه در محل شورای روستای مزبور احرار شد. در این جشن عده زیادی از روستائیان، نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و همچنین آقایان ارزانی، روحانی مبارز گنبد، شرکت داشتند.

مابوگند یاد می کنیم که هیچگاه جز منافع دهقانان و زحمتکشان، منافع و مصالح هیچ کس دیگری را در نظر نگیریم. ماه پیوندی که در آنش و خون و زیر رگبار گلوله جنگ ناچوانمردانند - تخمیلی به خلق ترکمن باشما زحمتکشان بستیم و با خون دهها شهید آن رامهبر نمودیم، تا آخرین لحظه وفادار خواهیم ماند.

در این جشن، یکی از هموطنان زابلی ساکن آق کل نقش ستاد مرکزی شوراهای را در حمایت از منافع تمام زحمتکشان منطقه تشریح کرد و تاکید نمود تنها چاره پیروزی زحمتکشان در مقابل زمینداران است - تمامی زحمتکشان منطقه یعنی دهقانان بلخ، رابلی و ترکمن در شوراهای دهقانی بی باشد. او توضیح داد که جنگ تخمیلی گنبد نه یک جنگ فرقه‌ای بین شیعه و سنی،

بلکه جنگی بود بین زمینداران غاصب که از حمایت دولت برخوردار بودند و زحمتکشان غارت شده. در این مراسم پیامهای نوازگان و فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - شاخه کلاله، تانوب فرهنگی سیاسی خلق ترکمن - شاخه بندر ترکمن، چندین پیام از شوراهای دهقانی مختلف از جمله روستاهای "دهند"، "گمش تپه"، "ایر"، "تاتار علیا" "نمره قره قوری" و... خوانده شد. طی این جشن باشکوه هنرمندان ترکمن ترانه های پرشوری اجرا کردند. جشن گندم که بنابه شرایط سیاسی کنونی و آگاهی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا کیفیت فزاینده‌تری یافته است. معمولی بیگانه بود و به فرصتی برای تحکیم پیوند اجتماعی و سیاسی آن بدل شده بود. در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر پایان یافت.



دیوارهای محل شورا باشماره‌های انقلابی تزئین شده بود، شعارهای سیاسی درباره ضرورت اتحاد کارگران و دهقانان و ضرورت تشکیل شوراهای دهقانی و تحکیم آنها، مراسم در ساعت ۱۰ و نیم صبح شروع شد. در آغاز برنامه یکی از اعضای شورای دهقانی کنگور در مورد آداب و رسوم خلق ترکمن به ویژه جشن گندم که در دوران دیکتاتوری و اختناق به این صورت باشکوه برگزار نمی شد سخن گفت. سپس به بازپس گرفتن زمینهای غصبی از غاصبین که همه از مزدوران رژیم منقور پهلوی بودند، اشاره نمود و تاکید کرد که فقط با اتحاد و اتفاق دهقانان چنین کاری امکان پذیر است.

آقای ارزانی، روحانی مبارز گنبد در این مراسم، جشن گندم را به زحمتکشان تبریک گفت و نگاه دربار مایه تفرقه اندازان که همان زمینداران غاصبین و عمال آنها می باشند و همچنین ضرورت مقابله دهقانان با آنها سخن گفت. او تاکید کرد که زمینداران بانیان اصلی جنگ تخمیلی ۹ روزه گنبد بودند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نیز در پیام خود ضمن تبریک جشن گندم عنوان نمود که "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا از درون مبارزات پیگیر مردم تحت ستم این منطقه به وجود آمده و تجلی اراده توده‌های تحت ستم است در سمت دیگری از پیام گفته شد:

زحمتکشان روستای زینوند مرتجعین را افشاء میکنند

بهبه شهر - اخیرا گزارشی از زحمتکشان (خوش نشینهای) قریه زینوند از توابع قریه به دست ما رسیده که به افشاءگری و داهیت عوامل مرتجع در این منطقه اشاره کرده اند که در زیر به خلاصه‌ای از این گزارش می پردازیم. از آغاز حرکت انقلابی خلقهای سپهمنان که با شرکت در راهپیمایی و نظاره‌ها در به شهر و نگاه دوشادوش سایر مردم مبارز در مبارزات شرکت می کردیم در این گیرودار چندین نفر از عوامل مرتجع شناخته شده سعی در برهم زدن اجتماعات داشتند. از آن جمله یکی از مرتجعین و سرسیردگان رژیم سابق است که با گزارشی به پاسگاه ژاندارمری به شهر باعث بورش چندین نفر ژاندارم به روستا شد که در این ماجرا تعدادی از روستائیان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اوسین با ایجاد آتش سوزی مصنوعی در این روستا در ۲۴ تیرماه از مبارز قریه به پاسگاه شکایت کرد. لازم به توضیح است که عوامل مرتجع مزبور که منافعتشان در این روستا به خطر افتاده در حیوونیه قیام با اعلام وفاداری به رژیم جنایتکار شاه صرحا اظهار جان نشانی می کردند. اما خوش نشین های زینوند در صدد بازپس گرفتن حقوق از دست رفته شان

خواسته های اهالی روستای مقصود آباد

هنوز در بسیاری از روستاهای ایران مردم با ابتدائی ترین مشکلات زندگی دستگیرند. نامه ای از روستای مقصود آباد شهرستان ساره به دست ما رسیده است که در آن خواسته های رفاهی مردم به شرح زیر توضیح داده شده است:
۱- آب لوله کشی و برق
۲- ساختن درمانگاه و تأمین سرسرم

ضد انقلابیون و توطئه گران واقعی بختیاری چه کسانی هستند؟

همانطور که قبلا به اطلاع هموطنان رساندیم، پس از تحقیق درباره خبر "ضد انقلاب در بختیاری توطئه می کند" که شماره ۱۸ نشریه کارچاپ شده بود، حقایق آشکار گردید و چهره واقعی ضد انقلابیون و توطئه گرانی که وابسته به رژیم گذشته بودند می خواستند با "انقلابی نمایی" و عوام فریبی مایهت ضد مردمی خود را پنهان ساخته و بار دیگر برای خود موقعیتی دست و پا کرده و نیروهای مترقی را اغتشاشا معرفی نمایند، اما توسط خود مردم مبارز بختیاری برده از روی اعمال ننگینشان برداشته شد.

ما برای آگاهی هموطنان از باینات واقعی و افشاء توطئه های این عناصر ارتجاعی و ضد انقلابی شرح کامل وقایع را در اینجابه چاپ می رسانیم.
تختی واقع در شهرستان شهرکرد عده بسیاری از مردم بختیاری که از نجات می شوند و در این موقع عده ای که از نجات سو و پلند و سابق زندگی ننگین گردانندگان به اصطلاح انجمن مرکزی بختیاری آگاهی دارند به اشتغال آنان پرداخته و مورد بازخواست قرار می دهند که شما که تیر روز بر علیه خلق بختیاری و آرمانی های آن که در ارتباط با هدهدهای خلق قهرمان ایران است قدم برمی دارید، چگونه است که امروز خواهان هوادار خلق شده اید و نیز وابستگی و سرسپردگی گردانندگان انجمن یعنی (جعفرقلی رستمی و محمود پرویزی) را افشاء می کنید. ذکر این واقعات باعث خشم فامیل و کسان گرداننده انجمن گردیده و وقتی وجه نمی توانند از طریق تشکیل انجمن به نجات خود جامه عمل بپوشانند بایک توطئه از پیش حساب شده بر اعتراف کنندگان هجوم آورده و باعث اخلاص و اغتشاش می شوند تا بدینوسیله نیروهای مترقی را به عنوان عامل تشنج معرفی کنند و مردم را نسبت به آنها بدبین سازند. اما عیار بدلیز بختیاری هم با تمام قوا به مبارزه با این عناصر ضد خلقی برخاسته و اهلیت کتیف این سرسپردگان را افشاء کردند.

شوراهای روستائی جاههای غصب شده را بازپس گرفتند

آق قلا - روستاهای کرد، شفتالو، باغ علیا، شفتالو باغ سفلی، قزلبی و قره تپه از توابع آق قلا، بعد از ایجاد شورای روستائی تصمیم گرفتند جاههای روستا را هم از فئودالها بازپس بگیرند این جاهها که سالها قبل به عنوان تأمین آب آشامیدنی مردم منطقه با بودجه اداره آبیاری سابق حفر شده بود، باز و بنید غاصبان به تصرف آنها در آمد و حدود ۱۲ سال برای آبیاری زمین های زیر کشت این غاصبان استفاده شده دهقانان همیشه حتی برای تأمین آب آشامیدنی خود نیز در مضیقه بودند. این جاهها اکنون به کمک شوراهای روستائی که مرکب از نمایندگان واقعی زحمتکشان منطقه اند بازپس گرفته شده و روستائیان می خواهند از این جاهها به روستاهای خود لوله کشی کنند.

اهالی چند روستای مرگور تشکیل شوراهای دادند

ارومیه با آگاه شدن روستائیان زحمتکش به لزوم تشکیل و یکپارچگی خود به خاطر مقابله با زور و ترس زمینداران، همروزه شاهد تشکیل شوراهای اتحادیه های جدید دهقانی هستیم. اخیرا در روستاهای دیزج، گردوان کایر، گردیک، ژار آباد و خراسپ در منطقه مرگور نیز شوراهای دهقانی تشکیل شده است.

خواستهای روستائیان بيساران ازدولت

سندج - روستای بيساران یکی از دور افتاده ترین دهات کردستان است که ۸ هزار نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا در تاریخ ۵ تیرماه اجتمعی برپا کردند و طی قطعنامه ای از دولت تقاضای رسیدگی فوری به خواسته های خویش را نمودند. مهمترین خواسته های روستائیان تأمین برشک و دارو، تأمین دبیران دوره راهنمایی، ساختن جاده تا شهر، ایجاد حمام، تأمین برق ده و بالاخره دادن وام بی بهره به زحمتکشان روستا است.

نامه گروهی از مردم ترکمن صحرا به دادستان کل انقلاب اسلامی:

به مزدوران اجازه توطئه ندهید

دادستان کل انقلاب اسلامی مدتی است که آثار تلخ نقشبندی روحانی نمکه از اعمال با سابقه رژیم سابق بوده و یکی از عناصر برپا کننده نظارهات جماعت بدستان بیستم بهمن ماه ۱۳۵۷ بود که منجر به شهادت شش نفر از اهالی بی گناه گنبد گردید و دارای نشان درجه ۳ هابوی نشان مخلوق می باشد، پیراز مدتی فرار به گنبد بازگشته و توطئه گری ضد مردمی را آغاز نموده است. جای بسی ترحیب است که اینگونه جنایتکاران که بدارک و شواهد متعددی مبنی بر خدست آنها به رژیم سابق و شرکت فعالانه شان

نامه دهقانان سروآباد و گرگه ای به نخست وزیر ((موضع دولت در برابر یورش فئودالها چیست ؟))

مربوان - ماد دهقانان سروآباد و گرگه ای بار دیگر حلات وحشیانه و تجاوزکارانه سال ۱۳۴۵ را تاحمل نخواهیم کرد و در برابر هرگونه تعرض تاپای جان مقابله خواهیم کرد. این بخشی از نامه ای است که بیش از ۵۰۰ نفر از دهقانان دور روستای فوسی در اجتماعی در شهر مربوان، به نمایندگی از ۲۵۰ نفر اهالی قرا، مذکور خطاب به آقای بازگان نخست وزیر نوشته اند. در این نامه به تاریخ ۲۸ خرداد ماه ۵۸ دهقانان ضمن اشاره به تجاوز مالکین در سال ۴۵ که به بک توپ و تانک ارتش انجام شد و تجاوز به مال و زندگی و مقدسات آنها و غصب زمینهایشان می نویسد: "هیئت ۵ نفری انتصابی حسل اختلاف که آقای فهم (بازپرس) نیز در آن شرکت دارد، خود سرانه حکم تبعید ۵ نفر از کشاورزان سروآباد و گرگه ای را به نامهای: سید عبدالقادر حسینی، احمد

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

چریکهای سانددنیست حمله گسترده خود را برای تصرف پایتخت آغاز کرده اند



زمانی استعفا می دهد که چریکهای ساندنیست گارد ملی و حزب لیبرال وی را منحل نکنند. سوموزا گفت امریکانیز با شرایط استعفا می یوی موافق است، اما نتوانسته است موافقت چریکهای ساندنی نیست را با شرایط خود جلب کند. یک سخنگوی ساندنی نیست ها در سان خوزه پایتخت کاستاریکا گفت: "انقلابیون نیکاراگوآ و مردم این کشور شرایط سوموزا دیکتاتور را نخواهند پذیرفت". این سخنگو گفت: "شورای موقت پنج نفری ساندنی نیست ها حاضر نیستند جنبش لیبرال سوموزا در دولت وقت آینده شرکت داده شوند". این سخنگو گفت: "گارد ملی پس از برکناری سوموزا منحل می شود و یک ارتش جدید از ساندنی نیست ها و سرپازان و افسرانی که علیه مردم جنایتی نکرده اند ایجاد خواهد شد".

چریکهای ساندنی نیست با موفقیت کامل به حمله های گسترده خود در جهت تصرف ماناگوآ پایتخت نیکاراگوآ ادامه می دهند. در پی پیشنهاد امریکا از سوی چریکهای ساندنی نیست هواپیماهای امریکایی نیکاراگوآ به بمباران مناطق مسکونی مبادرت کرده اند. به گفته این سخنگوی ساندنی نیست ها، در بیست و هفت کیلومتری جنوب ماناگوآ توسط هواپیماهای گارد ملی تعدادی بشماری از افراد غیر نظامی کشته شدند. همچنین گزارش داد هواپیماهای نیروی هوایی اناساز بوسوزا دیکتاتور نیکاراگوآ در بمباران مناطق مسکونی از بمبهای آتش را استفاده کرده اند. از سوی دیگر به گزارش خبرنگاری ها چریکهای ساندنی نیست که تاکنون به پیروزی های چشمگیری دست یافته اند خود را برای حمله به پایتخت نیکاراگوآ آماده می کنند. در این حال خبرنگاری ها از سان خوزه گزارش دادند اناساز بوسوزا دیکتاتور نیکاراگوآ در یک مصاحبه تلویزیونی باردیگر آمادگی خود را برای کناره گیری اعلام کرد اما گفت:

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
به جبهه آزادیبخش...
کدبتوان بانبروی عظیم و خلاق توده های کارگر و زحمتکش شوروروستازمین... ساختن یک جامعه سوسیالیستی را فراهم کرد. مادر این مبارزه حمایت و پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزه خلق نیکاراگوآ اعلام می نماید و اطمینان داریم مبارزه خلق نیکاراگوآ و دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندنیست... تأکید همه انقلابیون و کشورهای انقلابی قرار می گیرد.

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
به جبهه آزادیبخش...
که سالها در کنار خلقهای فهراان ایران علیه رژیم دیکتاتوری شاه مبارزه کرده ایم و اکنون برای محو تمام مظاهر سلطه امپریالیزم مبارزه می کنیم می دانیم که راه شما جقدر سخت و طولانی بوده و خواهد بود و بدین جهت پیروزی های بزرگ شما در میان خلقهای قهرمان ایران و پیشاهنگان رزمندان شوروشغف زبادی ایجاد نمود است.

سازمان ما معتقد است تنها نماینده قانونی خلق نیکاراگوآ دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندنی نیست ها می باشد و از این جهت مصرا به کوشش می کند این مسئله از طرف دولت ایران پذیرفته شود.
رفقای رزمندگان!
مبارزه مشترک خلقهای نیکاراگوآ و ایران هنوز راه درازی در پیش دارد. رهایی کامل از سلطه امپریالیزم و مبارزه در راه خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان و ایجاد یک جامعه آزاد و مستقل و دموکراتیک

سازمان ما معتقد است تنها نماینده قانونی خلق نیکاراگوآ دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندنی نیست ها می باشد و از این جهت مصرا به کوشش می کند این مسئله از طرف دولت ایران پذیرفته شود.
رفقای رزمندگان!
مبارزه مشترک خلقهای نیکاراگوآ و ایران هنوز راه درازی در پیش دارد. رهایی کامل از سلطه امپریالیزم و مبارزه در راه خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان و ایجاد یک جامعه آزاد و مستقل و دموکراتیک

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق به : پرسنل مبارز و انقلابی ارتش

گمارده اند. فردی که ابلهانه هر روز برای پرسنل مبارز و انقلابی خط و نشان می کشد و آنها را تهدید به سرکوب و تصفیه می نماید و بنا به ماهیت خود نمی تواند درک کند که بین گذشته و آنچه امروز وجود دارد یک قیام بزرگ فاصله است. که در نتیجه آن توده ها آموخته اند چگونه با تمام بندهای اسارت و بندگی و قوانین ارتجاعی به مبارزه برخیزند. فرماندهان باید مورد اعتماد سربازان، درجه داران و هافران و افسران جزئی که همه بار فشار و محرومیت بردوشان است باشند و نه هیچ نیروی دیگری. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه تأسیس و پشتیبانی از خواسته های برحق و عادلانه هافران و سربازان و پرسنل مبارز و انقلابی ارتش اعلام می دارد:

- ۱- تنها ارتشی می تواند حافظ استقلال واقعی میهن و مدافع دستاوردهای مبارزات انقلابی خلق باشد که اساس آن از توده های مبارز و پرسنل انقلابی ارتش تشکیل شده باشد.
- ۲- در ارتش انقلابی و مردمی، شورای سربازان درجه داران، هافران و افسران جزئی تنها مرجع تصمیم گیری درباره امور مربوط به خود خواهند بود. حق شرکت در تصمیم گیری فرماندهان و حق شرکت در تدوین خط مشی ها و سیاستهای ارتش از حقوق اساسی آنهاست.
- ۳- تمام قراردادهای نظامی بین ایران و سایر کشورهای امپریالیستی هر چه سریعتر باید لغو شده و همه مستشاران خارجی باید از میهن ما اخراج گردند.
- ۴- توده های مبارز خلق هرگز اجازه نخواهند داد به بهانه تهیه لوازم بدکی برای میلیاردها سلاخی که به قصد تبدیل ایران به زادارم امریکا در منطقه خاور میانه تهیه شده، با بستگی به امریکا و استخدام مستشاران کشورهای امپریالیستی رادوباره برگردن نهند.
- ۵- ما توطئه ایجاد فتنه و دودستگی میان پرسنل جزئی ارتش را شدیداً محکوم می کنیم.
- ۶- ما زرمه خلق سلاح نیروهای انقلابی و مبارز خلق را خرابیاتی علیه آرمان انقلابی مردم تلقی کرده و از تمام نیروهای انقلابی و مبارز می خواهیم علیه چنین توطئه های بی مقابله برخیزند.
- ۷- ما هرگونه توطئه جهت سرکوب پرسنل مبارز و انقلابی و محکم و معتزلی نسبت به اعمال فشار و اختناق در ارتش را محکوم می کنیم.
- ۸- ما خواستار رسیدگی هر چه سریعتر به خواسته های هافران و محکم و معتزلی و سایر پرسنل مبارز و انقلابی که همواره به سزای در مقابل با مرتجعین و سرکوبگران برعهده شده اند هستیم می باشیم.
- ۹- همچنین از پرسنل مبارز و انقلابی ارتش می خواهیم که با انعکاس وسیع و مکرر خواسته هایشان از طریق مطبوعات، اعلامیه بیانیه و سایر وسایل مورد دسترس، هدفهایشان را به گوش همه مردم، سازمانها و نیروهای مترقی و انقلابی جامعه رسانند.
- ۱۰- از نیروها، سازمانها و گروههای مترقی و انقلابی می خواهیم که با انعکاس هر چه وسیعتر خواسته های پرسنل مبارز و انقلابی ارتش، عملاً در مبارزه آنها شرکت و از خواسته های آنان پشتیبانی نمایند.

نیروهای مرتجع و ضد انقلابی درون ارتش باید بدانند که پرسنل مبارز و انقلابی در مقابل حرکت ارتجاعی آنها با تمام نیرو و توان خویش مقاومت کرده و ماهیت ارتجاعی این اعمال را افشا خواهند نمود.

در این مبارزه عادلانه پرسنل مبارز و انقلابی مسلماً پشتیبانی توده های زحمتکش خلق را به همراه خواهند داشت و در اتحاد با آنها در راه تحقق آرمانهای انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی میهن گام خواهند برداشت.

شرط پیروزی حتمی هر نیروی انقلابی و وحدت بانوده های زحمتکش خلق است.

مستحکم با وحدت رزمندگان و نیروهای انقلابی و مبارز مرگ بر امپریالیسم امریکا و مستشاران مزدور ارتش درود بر پرسنل انقلابی و مبارز ارتش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۲ تیرماه ۱۳۵۸

ارتش به هیچ وجه در جهت اهداف قیام توده ها بازسازی نمی شود. این واقعیتی است که در پیش چشم مادر حال تکوین و شکل گیری است و مسئله ای است که از قبل می شد آن را پیش بینی نمود.

این محافظه کاری و سازشکاری که دولت در پیش گرفته، نتیجه طبیعی اش غلبه کامل نیروهای ضد خلقی و احیای نهادهایی است که مردم به خاطر نابودی آن قیام کرده اند و بازسازی مجدد ارتش به شیوه سابق خود نمونه ای از آن است.

اکنون مبارزه ای آشکار و نهان با حدت هر چه تمام تر میان نیروهای انقلابی و ترقیخواه جامعه و مدافعین دستاوردهای قیام و ادامه آن تا محو کامل سلطه امپریالیسم از یک سو و از سوی دیگر نیروهای مرتجعی که خواهان بازگشت ترمیم و بازسازی نهادهای گذشته می باشند، در تمام زمینه ها در جریان است. بدون شک نتیجه این مبارزه سرتوشت ساز، انقلاب رهایی بخش خلق ما است.

دولتی که نمی تواند انقلابی باشد و از عمل انقلابی بی توده ها بیش از توطئه گیری های عوامل وابسته به امپریالیسم در هراس است، دولتی که هر روز نیروهای انقلابی و مبارز را مورد حمله قرار داده و از مبارزه حق طلبانه کارگران، دهقانان و زحمتکشان به عنوان ضد انقلاب یاد می کند، دولتی که شتابان در راه بازسازی و ترمیم خرابی های سرمایه داری وابسته گام برمی دارد و خسارات سرمایه داران وابسته را از کیسه مردم برداخت می کند و در پاسخ به خواسته های حق طلبانه خلقهای ستمدیده جنگ و دندان نشان می دهد و رادیو و تلویزیونش مدام دست به انتشار اخبار غیر واقعی و تحریک آمیز علیه نیروهای مترقی و انقلابی می زند چنین دولتی مسلماً بازسازی ارتش را با همان آیین نامه ها و نظام نامه های ارتجاعی گذشته و طیفه خود می داند.

هم اکنون هزاران نفر از پرسنل مبارز و انقلابی ارتش در راه آنها هافران به اعتراض علیه اعمال شیوه های ضد انقلابی و سرکوبگرانه دست به اعتراض و تحصن گسترده ای در سراسر ایران زده اند و دامنه اینگونه اعتراض روز به روز گسترش بیشتری می یابد. اعتراضی که منکس کننده خواسته های رده های پایین ارتش است، نیروهای که در تمام طول حیات این ارتش جز تحقیر و محرومیت و خفگان سهمی نبرده اند، و پرسنل انقلابی ارتش را زبانی آنها بر خاسته اند. و دیدیم که آنها در دوران قیام و به ویژه همراه بانوده های قیام کننده در روزهای ۲۱ و ۲۲ به مقابله با توطئه های فرماندهان مزدور و خود فروخته برخاستند و همبستگی انقلابی خود را با خلق در میدان نبرد با دشمن مشترک به بهترین شکل نشان دادند.

خلق ما با دقت و توجیه فراوانی برای پرسنل مبارز و انقلابی ارتش یاد جانبازان پادگان لویزان و نیروی هوایی و صدها شهید گمنام دیگر را در قلب بزرگ خویش جاودان ساخته است. اما امروز آنها که هیچگونه شرکت عملی و واقعی در مبارزات خونین مردم نداشتند و تنها فرصت طلبانه در کمین بودند تا هنگام فرارسیدن پیروزی آن را برای خود مطالبه نمایند، همچون میوه چنجان انقلاب پستهای فرماندهی را اشغال کرده اند و پرسنل انقلابی و مبارز را که برای پیشبرد انقلاب و محو تمام آثار نظام وابستگی در ارتش مبارزه می کنند را دشمن خود می شمارند. دسته دیگری از فرصت طلبان میوه چنجان انقلاب با حمله به تظاهرات مسالمت آمیز کارگران و زحمتکشان، نظیر آنچه در افغانستان و غرم دره اتفاق افتاد، از طریق گروههای فشار و عناصر تحریک شده، توده های اصلی شرکت کننده در قیام را به خاک و خون می کشند.

آنها با شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان سرسختانه به مخالفت برخاسته اند.

تلاش در جهت لکه دار ساختن حیثیت نیروهای انقلابی و مبارز در اذهان توده ها و به راه انداختن جنگ تبلیغاتی علیه آنها ایجاد گروههای شبه فاشیستی فشار علیه نیروهای دموکراتیک و انقلابی و استفاده از رادیو و تلویزیون جهت تحریف حقایق و تحریک مردم علیه خلقها و انقلابیون واقعی، تدوین و تصویب قوانین ضد دموکراتیک نظیر قانون "جرائم ضد انقلاب" که نسخه بدل قوانین رژیم سرنگون شده است و لایحه مطبوعات و پیش نویس کذابی قانون اساسی... و نمونه های دیگر از عملکردهای این گروه است.

اکنون نیروهای حاکم با زیر فشار قرارداد پرسنل مبارز و انقلابی ارتش جهت پذیرش اطاعت کورکورانه از مافوق و تثبیت نظامنامه ها و آیین نامه های ارتجاعی گذشته، می کوشند تا حرکت غیر دموکراتیک و ضد انقلابی خود را در جهت بازسازی و ترمیم مجدد ارتش بر اساس همان روابط و ضوابط ضد خلقی تداوم بخشد. در این مسیر طرح عفو عمومی خائنین به خلق در ارتش را به مورد اجرا گذارده و عالماً به اعلام جرمهای مکرری که علیه عناصر معلوم الحالی نظیر فلاحی می شود، توجه نمی کنند دولت سازشکار موجود زیر پوشش ضرورت استفاده از وسایل پیچیده و پیشرفته ارتش که تنها به درد حفظ مقام و زانداری مری ایران در منطقه می خورد، می کوشد وابستگی نظامی ایران را همچنان به امپریالیسم امریکا و مستشاران نظامی آنها حفظ کند و به همین دلیل از لغو قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا سرباز می زند به بهانه نیاز به کادرهای متخصص. همچنان مبره های مرتجع و سرسریده همان ارتش شاهنشاهی نظیر فرید که سالها به شناختن سیستم گذشته متغول بود و فلاحی که جز عوامل کشتار مردم شیرازی باشد سابقه همکاری نزدیک با ارتش امریکا در ویتنام داشته، در دستهای فرماندهی ارتش قرار دادند و از سوی دیگر افراد بی صلاحیت و نادانی چون امیر رحیمی که می خواهد با سرکوب پرسنل انقلابی به هر قیمت که شده اطاعت کورکورانه را به ارتش بازگرداند، را به فرماندهی دربان

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی



بقیماز صفحه ۱

نشانه اراده توده‌هاست

چنانکه گفتیم پاکسازی در اغلب کارخانه‌ها مطرح است و اخبار آن را هر روز می‌شنویم. نمونه‌ها بسیارند و ذکر همه آنها امکان پذیر نیست. اما چنانکه ذکر شد مسئله طرد عناصر ضد خلق و نصفیه عناصر فاسدنه تنها برای کارگران بلکه برای دیگر افشار خلق از جمله کارمندان آگاه و پرسنل مبارزاتش نیز مطرح است. اما تالیهای کوتاه و محدود این حرکت آگاهانه و مترقی کارمندان و پرسنل مبارز را که در جهت ادامه و تعمیق انقلاب تکاملی و کامل امپریالیسم و وابستگیش می‌باشند نشان می‌دهیم.

از ابتدای پیروزی کارمندان مبارز وزارت دارائی "خواستار تصفیه اداره از عناصر وابسته به رژیم قبلی می‌شوند که آن توجیهی نمی‌شود. تا اینکه آقای "عرب" از طرف وزیر دارائی به عنوان معاون کل انتخاب می‌شود. کارکنان با صدور چندین اعلامیه و بدین انتصابات و دیگر انتصابات اعتراض می‌کنند که به نتیجه‌ای نمی‌رسد در نتیجه خود مستقیماً دست بکار شده و به آقای "عرب" رفته و او را اخراج می‌کنند. وزیر از این عمل برحق کارمندان برآشفت و آنان را ضد انقلابی می‌نامد. کارمندان نیز متقابلاً در اعلامیه‌ای به شدت به وزیر و اعمال وی اعتراض می‌کنند و با احتیاط از این عناصر خواستار تنبیه و اخراج کارمندان مبارز بر طبق مقررات اداری و انتظامی می‌شود. دستور را در اعتراض برای محاکمه اداری و احیانا اخراج کارمندان صادر می‌کنند که عیناً در زیر کلبه می‌شود.

نمونه دیگر در اداره "محیط زیست" که کارمندان از دوشنبه ۴ تیر برای تصفیه اداره از عناصر فاسد وابسته به رژیم سابق و بازگشت کارمندان فعال اخراجی تحصن کرده‌اند.

و با کارمندان "سازمان ملی خدمات درمانی" که با جمع آوری مدارک محکم و بر علیه روحانی "سرپرست" جدید این سازمان در روز ۳۰ خرداد دست

و اعتصابات شکره‌مند رژیم قبلی را سرنگون کرد، دیگر تن به اعمال ضد کارگری نمی‌دهد. به این علت است که کارگران پیشرو مبارزاتشان را در جهت اخراج مدیران و عناصر ضد کارگری همچنان ادامه می‌دهند. در زیر با استناد به نشانیات کارگران و کارمندان و پرسنل انقلابی ارتش می‌کوشیم مبارزات آنها را در این زمینه نشان بدهیم.

از نشریه "نفت جنوب" شماره ۵۵ تحت عنوان گزارشی از "اداره پاکسازی در اداره تعمیرات اهواز" می‌خوانیم که: "سه تن از روسای قسمتهای نامهای ابراهیمیان، ناصری و... که سابقه ضد کارگری آنها بر تمامی کارگران آشکار بوده و وسیله کارگران همان قسمتها اخراج می‌شوند. مدیران بالائی آنها را گویا با ترفیع دوباره به کاری گمارند. کارگران شدیداً اعتراض می‌کنند. متقابلاً مدیران که امروز تماماً افراد ضد در ضد انقلابی و مومون و مبارز، شده‌اند. تهدید به استعفا می‌کنند و آقای نریزه هم از ترس اینکه مبادا دست تنبیها نباشد اعلامیه کذائی خود را مبنی بر "پاکسازی ممنوع" صادر می‌کنند. کارگران همچنان در امر تصفیه محیط کار با فشار می‌کنند. در مورد شخص دیگری به نام آقای "علی پاک" پرونده‌ای تشکیل می‌شده و بدو "کمپته" به اصطلاح "بیماری" تحویل می‌دهند که نتیجه‌ای نمی‌گیرند. بناچار کارگران از زمین خود چند تنبیها در انتخاب می‌کنند و این نمایندگان مدتی است که به خاطر اعتراض در دفتر جناب پاک! متحصن شده‌اند. به قول کارگران انتخاب یک عده چند نفری برای تحصن به او این علت بوده که هم اعتراض شدیدی خود را نشان دهند و هم وقفای در کارهای پیش نباید تا از جمعی تکفیر و انقضای و محرک و توطئه گرو... مصون باشند. عده‌ای از کارگران معتقد بودند که عده‌ای که قول خودشان را مارا با پایدار سرکوبید یعنی پاکسازی را از سطح مدیران کسل شروع کرد.

همچنین در نشریه "کارگران" پیشرو صنعت نفت آغا جاری شماره ۴ در گزارشی از "پاکسازی در شرکت ملی گاز" چنین می‌خوانیم که:

"شورای کارکنان عده‌ای از عناصر ضد انقلابی از جمله رفیع نیا و مرعشی را اخراج می‌کنند. آقای مرعشی مدت ده سال رئیس ناحیه پالایشگاه پید بلند بوده و تشکیل جلسه با فرماندهان نظامی منطقه، سرهنگ مقدم، به منظور برپا کردن راهی برای شکستن اعتصاب قهرمانانه کارگران از جمله خدمات و وی بوده است. او بارها کارگران را تهدید کرده و گفته بود من می‌دانم که انقلاب پیروز نمی‌شود و آنوقت خواهید دید که چه انقلابی به شما نشان دهم (۱۰) روز یکشنبه عجز در ماه ۱۸ آقای مرشد مدیر عامل جدید شرکت ملی گاز به محل پالایشگاه آمده و با اخراج آنها مخالفت می‌کنند ولی با فشاری های زیاد کارکنان قبول می‌کنند که فعلاً کنار گذاشته شوند. ولی روز بعد از این افراد به محل پالایشگاه می‌آیند که با وضع اقتضای آمیزی آنها را بیرون می‌کنند و با دیگر کلیه کارکنان با آوری شونده که با بازگشت این عناصر به هیچ وجه موافقت نخواهند کرد.

"بدر" رهایی "تبره کارگران" می‌نویسند: "عده شماره ۴ می‌خوانیم که: "شورای کارکنان سه تن از عناصر ضد کارگری را اخراج می‌کنند. پس از اخراج آنها با زخم حقوق خویش را از سرمایه دار دریافت می‌کردند... این موضوع به همین ترتیب می‌ماند تا اینکه آقای بازرگان اعلام می‌کنند که شوراها نباید مدیران را اخراج کنند. سرمایه‌دار (خسرو شاهی) بلافاصله به وزارت کار برای بازگشت این سه نفر شکایت می‌کند. بارها بر سر این موضوع بین وزارت کار و شورای کارگری می‌شود ولی کارگران زیر بار حضور کلیه کارکنان با مدارک محاکمه می‌شوند. کارکنان تصمیم قاطع دارند که از بازگشت این عناصر سرسریده به کارخانه جلوگیری کنند."

گرد و اخراج عناصر ضد مردمی

نشانه اراده توده‌هاست

چنانکه گفتیم پاکسازی در اغلب کارخانه‌ها مطرح است و اخبار آن را هر روز می‌شنویم. نمونه‌ها بسیارند و ذکر همه آنها امکان پذیر نیست. اما چنانکه ذکر شد مسئله طرد عناصر ضد خلق و نصفیه عناصر فاسدنه تنها برای کارگران بلکه برای دیگر افشار خلق از جمله کارمندان آگاه و پرسنل مبارزاتش نیز مطرح است. اما تالیهای کوتاه و محدود این حرکت آگاهانه و مترقی کارمندان و پرسنل مبارز را که در جهت ادامه و تعمیق انقلاب تکاملی و کامل امپریالیسم و وابستگیش می‌باشند نشان می‌دهیم.

از ابتدای پیروزی کارمندان مبارز وزارت دارائی "خواستار تصفیه اداره از عناصر وابسته به رژیم قبلی می‌شوند که آن توجیهی نمی‌شود. تا اینکه آقای "عرب" از طرف وزیر دارائی به عنوان معاون کل انتخاب می‌شود. کارکنان با صدور چندین اعلامیه و بدین انتصابات و دیگر انتصابات اعتراض می‌کنند که به نتیجه‌ای نمی‌رسد در نتیجه خود مستقیماً دست بکار شده و به آقای "عرب" رفته و او را اخراج می‌کنند. وزیر از این عمل برحق کارمندان برآشفت و آنان را ضد انقلابی می‌نامد. کارمندان نیز متقابلاً در اعلامیه‌ای به شدت به وزیر و اعمال وی اعتراض می‌کنند و با احتیاط از این عناصر خواستار تنبیه و اخراج کارمندان مبارز بر طبق مقررات اداری و انتظامی می‌شود. دستور را در اعتراض برای محاکمه اداری و احیانا اخراج کارمندان صادر می‌کنند که عیناً در زیر کلبه می‌شود.

نمونه دیگر در اداره "محیط زیست" که کارمندان از دوشنبه ۴ تیر برای تصفیه اداره از عناصر فاسد وابسته به رژیم سابق و بازگشت کارمندان فعال اخراجی تحصن کرده‌اند.

و با کارمندان "سازمان ملی خدمات درمانی" که با جمع آوری مدارک محکم و بر علیه روحانی "سرپرست" جدید این سازمان در روز ۳۰ خرداد دست

گزارشی از اتحادیه شوراهای دهقانی ناحیه قاقار علیا

سردمداران ارتجاع به رهبری آنالقبخ نقشنیدی روحانی نمای ترکم صحرارای نام برد.

جریان جنگ تحمیلی گنبد زحمتکشان روستای قاقار علیا را هر چه بیشتر به این حقیقت واقف ساخت که تنها صامن پیروزی دهقانان و زحمتکشان اتحاد آنهاست. شورای دهقانی قاقار پس از جنگ تحمیلی، جلسات هفتگی تشکیل داد و فعالیتهاش را هر چه بیشتر در رابطه با ستاد مرکزی شوراهای ترکم صحرای تنظیم کرد. همچنین در رابطه با روستائیان همجوار به تدارک اتحادیه ای از زحمتکشان چند روستا پرداخت. بدین ترتیب نخستین اتحادیه شوراهای دهقانی ناحیه قاقار با شرکت ۹ روستا به اسمی تاتار علیا

گنبد روستای تاتار علیا جزو روستاهای دهستان قجق از بخش سومه مرکزی گنبد کاووس است که در یکصد و بیست و دو کیلومتری جنوب باختری شهرستان گنبد واقع شده است.

پس از به قدرت رسیدن خاندان منفور پهلوی و عریض و طویل شدن دستگاه اداری و هجوم سرمایه داران وابسته، اکثر زمینهای که به صورت تعاونی کشت می‌شد به دست معدودی از زمینداران و سردمداران رژیم پهلوی افتاد و زمینها کاملاً دست دهقانان این روستا خارج گردید. هر چند که روستائیان متمسک تاتار علیا مقاومت سختی در برابر استعمار متجاوزین از خود نشان دادند. اما خودگانان رژیم سابق، با زور سر نیزه و قتل و غارت مردم، توانستند زمینهای دهقانان زحمتکش را از دستشان بربایند.

تاتار سفلی، سلاق غایب، سلاق نوری اوقلی بالا، اوقلی پاشین، قورچسای، حیوچی و صاطقی بایزیتونگی تشکیل گردید. شورای تاتار در اولین اتحادیه طرحی ارائه داد که به موجب آن زمینهای شورای دهقانی و ستاد مرکزی شوراهای دولت به معز زحمتکشان درو شود. بدین منظور راهرو شورای دوقدر نماینده تعیین شد تا در اتحادیه شوراهای دهقانی ناحیه به منظور طرح جمع آوری محصول شرکت کند. در همان هنگام عوامل ارتجاع دست به توطئه زدند و ۳ نفر از جوانان روستای کوچک نظر حای را به کتلو کسل بستند. این عمل حنا شکنانه نه تنها در اداره روستائیان زحمتکش ناحیه حلی و اردساخت بلکه واحد و همسنگی آنها را استحکام بخشید. پس از این واقعه ۵۰ تن از نمایندگان شوراهای ترکم صحرای علیه اعلامیه دولت مبنی بر اینکه دهقانان هیچگونه حقی از محصول ریسهای بارسی گرفته شده را ندارند، در حمایت از سماع زحمتکش ترین توده‌های روستائی فعالانه تلاش برداشتند. وقتی که توافق بین شوراهای دولت مبنی بر سهمیه ۲۰ درصد از محصول زمینهای بارسی گرفته شده برای دهقانان برقرار گردید، مدیران بزرگ با حمایت گروهی از مردوران که در میان پاسداران نفوذ کرده اند، در چند مورد سعی در سرک اعتبار کردن قرارداد کردند. اما اتحادیه تاتار توانست که کمک بهی از ۵ هزار نفر از دهقانان روستاهای قاقار حق زحمتکشان روستا را تثبیت کند.

یکی از غاصبین پرور و روستای تاتار حاجی جمعه برفقی (از اهالی سمل) را می‌توان نام برد. در ابتدا سید عسین آزادی میلانی رئیس بیدادگاه رفت گنبد. زمینهای منطقه تاتار علیا را عمب کرد. سپس سرهنگ گودرزی که بر سر توجیه گودرزی وزیر مشاور وقت بود. پیش از ۲۷ هکتار از زمینهای روستا را صاحب شد. سرهنگ فغانی هم در رابطه با این غاصبین مقدار بگری از زمینهای روستائیان راه زور صاحب کرد. پس از چندی تمام زمینهای با زور روستا به زور توسط این چپاولگران غصب شد.

مقاومت کشاورزان در برابر استعمار متجاوزین غارتگر همیشه از اهمیت خاص برخوردار بود و آب خوش را به استعمارگران سرمایه دار و زمینداران می‌گرفت. از جمله سرمایه دار و زمینداران در مقابل طلسم و تحاور غاصبین ایستادند اما به دستور لشکر مفسری که برادرش فرمانده راندار بری کل کشور بود روستائیان به گلوله بسته شدند. در نتیجه دوقدر از اهالی بنامهای "تاکوئی حرجانی" و آراز حرجانی شهید می‌شوند و ۵ نفر از اهالی به شدت مجروح می‌گردند و ۵۰ نفر از روستائیان راه بند می‌کنند. سرلشکر مفسری هم به پاداش این جنایت بزرگ و خوش خدمتی او به دربار ۲۸۰ هکتار از زمینهای این روستا را تصاحب می‌کند.

با وجودی توفان فروگوشنده حشم خلقهای به پا خاسته علیه رژیم منفور پهلوی و وابان آن امپریالیسم امریکایی دهقانان این روستا هم تصمصیم به بازپس گرفتن زمینهای غصب شده شان می‌گیرند قبل از قیام، جلساتی توسط روستائیان آگاه و مورد اعتماد اهالی و دهقانان زحمتکش تشکیل می‌شود که در آن به ضرورت همسنگی و اتحاد دهقانان برای بازپس گرفتن زمینهای غصب شده شان توسط زمینداران و سرمایه داران متجاوز و عارتگر ناکت می‌گردد. پس از قیام به کمک کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکم دهقانان این روستا دست به تشکیل شوراهای دهقانی زدند و با این به نیروی اتحاد و همسنگی زحمتکشان زمینهای خود را از چنگ غاصبان بیرون آوردند. شورای دهقانی تاتار علیا طی مدتی کوتاه توانست است در با لا بردن آگاهی و شناخت سایر شوراهای روستائی به طرز موثری مفید واقع شود. زمینهای غصب شده ای را که این روستا با زبسی می‌گیرد به صورت جمعی توسط خود اهالی کشت و نگهداری می‌شود. اهالی روستای تاتار خوب بی برده اند که تنها ضامن دستیابی به حقوق ازدست رفته شان اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان روستاست. بدین جهت اعضای شورا تلاشی زیادی می‌کنند تا هرگونه بدبینی و توطئه و تحریکات زمینداران و ارتجاع محلی را خنثی کنند. از جمله این کوششها می‌توان افشارگری توطئه های

اکنون، جلسات اتحادیه فوق همتای یکبار با شرکت نمایندگان فوق تشکیل می‌شود و ضمن آن مسائل و مشکلات مربوط به روستا از جمله اختلافات محلی حل و فصل می‌گردد. تصمصیم گیری شورایی در ترکم صحرای سابقه ای تاریخی دارد. پیش از استقرار رژیم منفور پهلوی مسائل و مشکلات مردم در روستای تاتار علیا همانند سایر روستاهای ترکم صحرای توسط آن ساقاها (ریش سفیدان) بر اساس بتیورت با تمام اهالی ده، بررسی می‌شد. اتحادیه شوراهای دهقانی ناحیه تاتار در مقابل توطئه‌های نفاق افکنانه زمینداران مرتجعی که منافع خود را از دست داده‌اند، اعلامیه هایی در جهت افشای ماهیت آنها و اعمالشان صادر می‌کند. در ضمن این اتحادیه تصمصیم گرفته است که بیش از نیمی از سهمیه ۲۰٪ را برای تهیه بذر سال آینده که با همکار روستائیان بطور جمعی کشت خواهد شد نگهداری کند. همچنین این اتحادیه با کمک جوانان پیشگام گنبد و روستاهای فوق کتباخانه‌هایی برای جوانان تاسیس کرده است.

دولت بزرگ فدائی ایران
نخست وزیر
جناب آقای علی اردلان
وزیر امور اقتصادی و دارائی

عطف بنامه شماره ۹۰۵۵ مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۲ وبا تاسف و انزعاج از تحریکات و اختلالگری عده‌ای از کارکنان و تیرهینی که نسبت به آقایان معاونین و مدیران آن وزارتخانه بعمل آمده شایسته است دستور دهید محرکین و مقصرین را بر طبق مقررات اداری و انتظامی محاکمه نموده، بر حسب درجه تقصیر و مزاحمت تنبیه و احیانا اخراج نمایند.

نخست وزیر
مهدی بازرگان

رونوشت جهت اطلاع و اقدام به کلیه سازمانها و ادارات وزارت امور اقتصادی و دارائی ابلاغ میگردد.

تاریخ: ۱۳۵۸/۴/۱۲

شماره ثبت: ۹۷۷۴

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

